



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و اسناد
سید الشهدا

غدير سرايان
(قرن اول تا چهارم هـ ق)

۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الغدیر همراه

نویسنده:

عبدالحسین امینی (علامه امینی)

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	الغدیر همراه جلد ۲
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	فهرست
۲۱	پیشاهنگ سخن
۲۳	شعر و شاعران
۲۳	اشاره
۲۳	شعر و شاعران در کتاب و سنت
۲۴	هاتفان غیبی
۲۴	کاروان شاعران
۲۵	شعر و شاعران در نزد امامان
۲۵	شعر و شاعران در نزد سرشناسان امت
۲۷	قرن اول
۲۷	اول: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)
۲۹	دوم: حسان بن ثابت
۳۲	سوم: قیس بن سعد بن عباده
۳۲	اشاره
۳۴	خاندان قیس
۳۴	اشاره
۳۴	شرف و سیادت او
۳۴	امارت و ریاست او
۳۵	سیاست دانی او
۳۵	شجاعت و سلحشوری او

۳۵	سخاوت و بخشندگی
۳۵	سخنوری او
۳۶	زهد قیس
۳۶	فضیلت قیس
۳۶	دینداری و التزام به مذهب
۳۷	قیس راوی حدیث و...
۳۷	قیس با معاویه
۳۸	چهارم: عمروعاص
۴۰	پنجم: محمد حمیری
۴۲	ششم: کمیت بن زید اسدی
۴۴	قرن دوم
۴۴	هفتم: سید حمیری
۴۴	اشاره
۴۵	غدیرتیه های سید:
۴۵	اشاره
۴۵	۱. قافیه أ:
۴۶	۲. بائیه:
۴۶	۳. حائیه:
۴۷	۴. دالتیه:
۴۷	۵. دالتیه ای دیگر:
۴۷	۶. رائیه:
۴۸	۷. رائیه ای دیگر:
۴۸	۸. رائیه سوم:
۴۸	۹. رائیه پنجم:
۴۹	۱۰. عینیه:
۵۰	۱۱. قصیده لامتیه:

۱۲. لامیه ای دیگر: ۵۰
۱۳. لامیه سوم: ۵۰
۱۴. لامیه چهارم: ۵۱
۱۵. قصیده میمیه: ۵۱
- اشاره ۵۱
- داستانی شنیدنی: ۵۲
۱۶. قصیده ای دیگر: ۵۳
۱۷. قصیده سوم: ۵۳
۱۸. قصیده چهارم: ۵۳
- اشاره ۵۳
- نکته ای درباره میمیتات سید حمیری (رضی الله عنه): ۵۴
۱۹. نوبتیه: ۵۴
۲۰. نوبیه ای دیگر: ۵۴
۲۱. قصیده یائیه: ۵۴
۲۲. یائیه ای دیگر: ۵۵
۲۳. یائیه سوم: ۵۵
- هشتم: عبدی کوفی ۵۶
- قرن سوم ۵۸
- نهم: ابوتمام طائی ۵۸
- دهم: دعبیل خزاعی شهید ۵۹
- اشاره ۵۹
- ابعاد شخصیت دعبیل: ۵۹
- یازدهم: ابواسماعیل علوی ۶۱
- دوازدهم: وامق نصرانی ۶۱
- سیزدهم: ابن الرومی ۶۳
- چهاردهم: جتانی افوه ۶۳

- ۶۳ اشاره
- ۶۴ اما غدیرتیه او:
- ۶۵ نقد و اصلاح:
- ۶۸ قرن چهارم -
- ۶۸ پانزدهم: ابن طباطبائی اصفهانی
- ۶۹ شانزدهم: ابن علویته اصفهانی
- ۷۰ هفدهم: المفجج، محمدبن احمد
- ۷۱ هجدهم: ابوالقاسم صنوبری احمدبن محمد
- ۷۲ نوزدهم: قاضی تنوخی
- ۷۳ بیستم: ابوالقاسم زاهی
- ۷۵ بیست و یکم: ابوفراس حمدانی
- ۷۵ اشاره
- ۷۶ غدیرتیه حمدانی:
- ۷۷ بیست و دوم: ابوالفتح کشاجم
- ۷۷ اشاره
- ۷۸ غدیرتیه کشاجم:
- ۷۹ بیست و سوم: ناشی صغیر
- ۷۹ اشاره
- ۸۰ غدیرتیه ها:
- ۸۱ بیست و چهارم: بشنوی کردی
- ۸۱ اشاره
- ۸۲ غدیرتیه های بشنوی:
- ۸۳ بیست و پنجم: صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵)
- ۸۳ اشاره
- ۸۴ غدیرتیه های صاحب:
- ۸۵ بیست و ششم: گوهری گرگانی

- ۸۵ اشاره
- ۸۶ غدیرتیه های گوهری:
- ۸۷ بیست و هفتم: ابن حجاج بغدادی
- ۸۷ اشاره
- ۸۸ غدیرتیه ها:
- ۸۹ بیست و هشتم: ابوالعباس ضبی (م: ۳۹۸)
- ۸۹ اشاره
- ۸۹ غدیرتیه او:
- ۹۰ بیست و نهم: احمد بن محمد انطاکی
- ۹۰ سی: ابوالعلاء سروی
- ۹۰ اشاره
- ۹۱ غدیرتیه:
- ۹۲ سی و یکم: ابومحمد عونی
- ۹۲ اشاره
- ۹۲ غدیرتیه او:
- ۹۳ سی و دوم: ابن حماد عبیدی
- ۹۳ اشاره
- ۹۴ ۱. قصیده لامتیه:
- ۹۵ ۲. قصیده راتیه:
- ۹۵ ۳. قصیده نوتیه:
- ۹۵ ۴. قصیده راتیه دیگر:
- ۹۶ ۵. راتیه ای دیگر:
- ۹۶ ۶. نوتیه ای دیگر:
- ۹۷ ۷. قصیده ای میمیه:
- ۹۷ ۸. قصیده عینیه:
- ۹۸ ۹. با قافیه قاف:

۱۰. با قافیه عین: ۹۹
۱۱. قصیده هائیه: ۹۹
۱۲. قصیده دالیه: ۱۰۰
- سی و سوم: ابوالفرج رازی، محمد بن هندو ۱۰۱
- اشاره ۱۰۱
- غدیرتیه او: ۱۰۱
- سی و چهارم: جعفر بن حسین ۱۰۱
- سی و پنجم: ابونجیب طاهر جزری ۱۰۲
- درباره مرکز ۱۰۴

مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹

عنوان قراردادی: الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب. فرسی. برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور: الغدیر همراه/ مؤلف عبدالحسین امینی نجفی؛ گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۹ ص. ۳۵۰۰۰ ریال

شابک: ۴-۰۳۱-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۲.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه، گزینش و انتخاب کتاب «الغدیر» اثر عبدالحسین امینی است.

مندرجات: واقعه غدیر

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: سید علوی، سیدابراهیم، ۱۳۱۸ - ، مترجم

رده بندی کنگره: ۵۴/۲۲۳/BP الف ۸ غ ۴۰۴۲۱۴۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۴۵۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۳۴۴۱

الغدیر همراه (جلد ۲) (غدیریه سرایان)

قرن اول تا چهارم هجری قمری

علامه عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمه: سیدابراهیم سیدعلوی

ویراستار: عبدالحسین فخاری

حروفچینی و صفحه آرایی: چکاد

لیتوگرافی: ندا گرافیک / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهارشیراز،

کوچه مقدم، نبش ادیبی، پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۳۱-۴

ص: ۱

اشاره

فهرست

پیشاهنگ سخن ۷

شعر و شاعران ۹

شعر و شاعران در کتاب و سنت ۹

هاتفان غیبی ۱۰

کاروان شاعران ۱۰

شعر و شاعران در نزد امامان ۱۱

شعر و شاعران در نزد سرشناسان امت ۱۱

قرن اول ۱۳

اول: امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) ۱۳

دوم: حسان بن ثابت ۱۵

سوم: قیس بن سعد بن عباده ۱۸

خاندان قیس ۱۹

شرف و سیادت او ۱۹

امارت و ریاست او ۱۹

سیاست دانی او ۲۰

شجاعت و سلحشوری او ۲۰

سخاوت و بخشندگی ۲۰

سخنوری او ۲۰

زهد قیس ۲۱

فضیلت قیس ۲۱

دینداری و التزام به مذهب ۲۱

قیس راوی حدیث و... ۲۲

قیس با معاویه ۲۲

چهارم: عمروعاص ۲۳

پنجم: محمد حمیری ۲۵

ششم: کمیت بن زید اسدی ۲۷

قرن دوم ۲۹

هفتم: سید حمیری ۲۹

غدیریّه های سید: ۳۰

۱. قافیه أ: ۳۰

ص: ۳

۲. بایئه: ۳۱

۳. حایئه: ۳۱

۴. دایئه: ۳۲

۵. دایئه ای دیگر: ۳۲

۶. رایئه: ۳۲

۷. رایئه ای دیگر: ۳۳

۸. رایئه سوم: ۳۳

۹. رایئه پنجم: ۳۳

۱۰. عیئه: ۳۴

۱۱. قصیده لامیه: ۳۵

۱۲. لامیه ای دیگر: ۳۵

۱۳. لامیه سوم: ۳۵

۱۴. لامیه چهارم: ۳۶

۱۵. قصیده میمیه: ۳۶

داستانی شنیدنی: ۳۷

۱۶. قصیده ای دیگر: ۳۸

۱۷. قصیده سوم: ۳۸

۱۸. قصیده چهارم: ۳۸

نکته ای درباره میمیات سید حمیری (رضی الله عنه): ۳۹

۱۹. نوتیه: ۳۹

۲۰. نونیه ای دیگر: ۳۹

۲۱. قصیده یائیه: ۳۹

۲۲. یائیه ای دیگر: ۴۰

۲۳. یائیه سوم: ۴۰

هشتم: عبدی کوفی ۴۱

قرن سوم ۴۳

نهم: ابوتمام طائی ۴۳

دهم: دعبل خزاعی شهید ۴۴

ابعاد شخصیت دعبل: ۴۵

یازدهم: ابواسماعیل علوی ۴۶

دوازدهم: وامق نصرانی ۴۶

سیزدهم: ابن الرومی ۴۸

چهاردهم: حِمانی افوه ۴۹

اما غدیریّه او: ۴۹

نقد و اصلاح: ۵۰

قرن چهارم ۵۳

پانزدهم: ابن طبا اصفهانی ۵۳

شانزدهم: ابن علویّه اصفهانی ۵۴

هفدهم: المفّجّ، محمد بن احمد ۵۵

هجدهم: ابوالقاسم صنوبری احمد بن محمد ۵۶

نوزدهم: قاضی تنوخی ۵۷

بیستم: ابوالقاسم زاهی ۵۸

بیست و یکم: ابوفراس حمدانی ۶۰

غدیریّه حمدانی: ۶۱

بیست و دوم: ابوالفتح کشاجم ۶۲

غدیریّه کشاجم: ۶۳

بیست و سوم: ناشی صغیر ۶۴

غدیریّه ها: ۶۵

بیست و چهارم: بشنوی کردی ۶۶

غدیریّه های بشنوی: ۶۷

بیست و پنجم: صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵) ۶۸

غدیریّه های صاحب: ۶۹

بیست و ششم: گوهری گرگانی ۷۰

غدیریّه های گوهری: ۷۱

بیست و هفتم: ابن حجاج بغدادی ۷۲

غدیریّه ها: ۷۳

بیست و هشتم: ابوالعباس ضبّی (م: ۳۹۸) ۷۴

غدیریّه او: ۷۴

بیست و نهم: احمد بن محمد انطاکی ۷۵

سی: ابوالعلاء سروی ۷۵

غدیریّه: ۷۶

سی و یکم: ابو محمد عونى ۷۷

غدیریّه او: ۷۷

سی و دوم: ابن حمّاد عبدی ۷۸

۱. قصیده لامیّه: ۷۹

۲. قصیده رائیّه: ۸۰

۳. قصیده نوتیّه: ۸۰

۴. قصیده رائیّه دیگر: ۸۰

۵. رائیّه ای دیگر: ۸۱

۶. نوتیّه ای دیگر: ۸۱

۷. قصیده ای میمیّه: ۸۲

۸. قصیده عینیّه: ۸۲

۹. با قافیه قاف: ۸۳

۱۰. با قافیه عین: ۸۴

۱۱. قصیده هایّیّه: ۸۴

۱۲. قصیده دالیّه: ۸۵

سی و سوم: ابوالفرج رازی، محمد بن هندو ۸۶

غدیریّه او: ۸۶

سى و چهارم: جعفر بن حسين ۸۶

سى و پنجم: ابونجيب طاهر جزرى ۸۷

ص: ۶

در جلد نخست، با روشن ترین حقایق که معنا و مفهوم حدیث غدیر بودند، آشنا شدیم. حدیثی که بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دلالت صریح دارد؛ طوری که برای هیچ گوینده جدال گری، مجال سخن باقی نگذاشته است. در جلد دوم، به حدیث غدیر در شعر شاعران که آن را ماندگارتر نمودند، می پردازیم.

به طور کلی در تأثیر شعر بر اذهان عمومی جای تردید نیست؛ مقصود ما از شعر، تنها کلام منظوم نیست؛ بلکه مراد آن نظم و نثری است که مضامین کتاب، سنت، معارف و مطالب معقول را در برداشته باشد.

شعر و شاعران در کتاب و سنت

رسول خدا شعر و شاعران متعهد را استقبال می کرد، از شنیدن برخی اشعار و یاد آن ها احساس خوبی داشت و گاهی آن ها را مانند شعر ابی طالب، بر زبان جاری می ساخت.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از شنیدن شعر عمرو بن سالم شاد شد و ابیاتی از آن را قرائت فرمود و گاهی با بعضی از آن ها رجز می خواند.

لا همّ لو لا انت ما اهتدینا

و لا تصدقنا و لا صلینا... (۱)

ص: ۹

غمی نیست، اگر تو نبودی ما هدایت نشده بودیم، صدقه و زکات نداده و نماز گزار نبودیم.

(خدایا) آرامش بر ما نازل فرما و به هنگام دیدار دشمن، گام هایمان را استوار گردان. همانا اینان بر ما ستم و تجاوز کردند و اگر به دنبال فتنه و آشوب باشند جلوی آن ها را خواهیم گرفت.

هاتفان غیبی

در تبلیغات دینی، شعرهایی که از هاتفی شنیده می شد و گوینده آن دیده نمی شد، فراوان است. ورقه گوید در شب ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کنار بتی خوابیده بودم از جوف آن شنیدم: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زاده شد، شاهان خوار و زبون شدند. گمراهی دور شد و شرک پشت کرد و رفت.

کاروان شاعران

به یمن کتاب و سنت، تعدادی از صحابه شاعر پیرامون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرد آمده بودند که همانند شیران قوی پنجه و شاهین های تیزچنگال، شرک و ضلالت را هدف می گرفتند. علامه امینی بیست تن از آنان را نام می برد^(۱). و حتی بانوانی از قریش و جز آنان، درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شعرها سروده اند. از جمله شیما خواهر رضاعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).

ص: ۱۰

یا ربنا اَبِقْ لَنَا مُحَمَّدًا

حَتَّىٰ اِرَاهُ يَافِعًا وَاُمًّا رَدَا

ثُمَّ اِرَاهُ سَيِّدًا مَسْدًا

وَاكْبَتَ اِعَادِيَهٗ مَعًا وَاَلْحَسَدَا

وَاَعْطَهٗ عِزًّا يَدُومًا اِبْدًا (۱)

پروردگارا محمد را برای ما نگهدار تا من او را نوجوان و شاداب بینم و آن گاه و سرور بینمش، دشمنان و حسودانش را خوار گردان و همواره او را عزت پایدار ببخش.

شعر و شاعران در نزد امامان

تبلیغ دین و یاری حق با زبان شعر توسط شاعران متعهد در زمان امامان معصوم نیز، همانند عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، مطرح بوده است. شاعران اهل بیت با قصائد خود به حضور می رسیدند و اشعار خود را می خواندند و مورد تشویق واقع می شدند و صله و جایزه دریافت می کردند. هر چند که آنان به نیت دریافت صله، شعر نمی سروده اند.

امام باقر (علیه السلام) به فرزندش امام صادق (علیه السلام) وصیت کرد که از اموال من موقوفه ای در نظر بگیر که تا ده سال در منی موقع اجتماع انبوه مردم برای من نوحه سرایی کنند.

شعر و شاعران در نزد سرشناسان امت

علما و سرشناسان امت به پیروی از امامان اهل بیت (علیه السلام) به شعر و شاعران ارج می نهادند. برای مثال، شیخ کلینی کتابی

ص: ۱۱

دارد به عنوان «شعرهایی که درباره اهل بیت سروده شده است» و همچنین شیخ صدوق و حتی مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی در سامرا مجال می داد که شاعران شعرهایشان را مطرح کنند، شیخ حیدر حلی را تجلیل کرد و صله ای درخور داد. (۱)

حمد و سپاس برای پروردگار جهانیان

آخرین دعای ما است.

ص: ۱۲

۱- الغدیر، ۱/۲۳.

اول: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ما برای تیمن و تبرک با نام و یاد علی (علیه السلام) آغاز می کنیم که او جانشین بلافصل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، درود خدا بر ایشان، فصیح ترین عرب، آشناترین قوم به شیوه های سخن بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلمه های قدسی اش او را با پانزده وصف و عنوان یاد کرده است. (۱)

امیر مؤمنان سرور و آقای مسلمانان، پیشوای سپیدپیشانیان، خاتم اوصیا، اولین ایمان آورندگان، باوفاترین مردمان در عهد و پیمان، دارنده بزرگترین مزیت، استوارترین و پایدارترین در فرمان خدا، داناترین و داورترین یاران، پرچم هدایت، مشعل ایمان، باب حکمت، درک کننده خدا با تمام وجود و خلیفه پیامبر که درود بر آنان و خاندانشان.

علی بن ابی طالب، هاشمی پاک، زاده کعبه مشرفه،

ص: ۱۳

پاک کننده آن از لوث همه بتان، شهید در خانه خدا به سال ۴۰ هـ. (مسجد کوفه) و در محراب آن، هنگام نماز و... .

بدین ترتیب، او زندگانی را در بزرگ ترین خانه خدا آغاز کرد و در خانه خدا هم شهید شد. میانه آن زاد و این شهادت، همواره رشته حیاتش به مبدأ اعلی سبحانه پیوسته بوده است.

معاویه در نامه ای به علی (علیه السلام) با طرح چند فضیلت، فخرفروشی کرده بود. علی (علیه السلام) تا آن نامه را خواند فرمود: پسر هند جگرخوار، فضیلت هایش را به رخ می کشد. ای کاتب در جواب او بنویس:

محمد، پیامبر، برادر و پسر عموی من است و حمزه سیدالشهداء، عموی من، و جعفر که هر صبح و شام همراه فرشتگان به پرواز درآید، پسر مادر من، برادرم است. دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) همسر من بوده که خون و گوشت او با خون و گوشت من درهم آمیخته است و دو سبط احمد پسران من، از اویند. پس کدامیک از شما بهره ای همانند بهره من دارید؟ در اسلام آوردن بر همه شما پیشی جسته ام، آن هم از روی فهم و دانش. (۱)

فاوجب لی ولایته علیکم

رسول الله یوم غدیر خم

پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر خم ولایت خود را، که

ص: ۱۴

۱- ر.ک: تاریخ ابن عساکر، شرح ابن ابی الحدید و معجم الادباء با اندک تفاوتی در مفردات برخی ابیات.

بر شما داشت، برای من لازم دانست؛ پس - وای و باز وای - بر کسی که فردای قیامت، با ستم کردن بر من خدا را دیدار می کند.

وقتی معاویه آن نامه را خواند، گفت: آن را پنهان نمایید و به کسی نشان ندهید؛ مباد اهل شام از مضمون آن آگاه شوند و به علی (علیه السلام) تمایل پیدا کنند.

علامه امینی می نویسد این موضوع از مسلمات تاریخ و حدیث است و بزرگان امامیه، بالغ بر یازده تن، و سرشناسان عامه، قریب بیست و شش تن، آن را آورده اند. (۱)

دوم: حسان بن ثابت

ابوالولید حسان بن ثابت از خانواده های شعر و ادبیات، به شمار آید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسجد برای او منبری نهاد که در آن می ایستاد و در فخر و منقبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شعر می خواند و پیامبر می فرمود: خدا حسان را مادامی که در حق ما شعر می گوید، تأیید کند.

حسان در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسجد شعر می خواند. اما پس از رحلت رسول خدا، عمر او را منع کرد.

اولین شعری که او درباره غدیرختم و در همان روز سرود و مایه شادی پیامبر و یاران او گردید، با این بیت معروف آغاز می شود:

ص: ۱۵

۱- فصول مختاره، شیخ مفید ۲/۷۸؛ کنزالفوائد ۱۲۲/؛ روضه الواعظین ۷۶/ و جز این ها از سرشناسان اهل سنت نیز: بیهقی، محمد بن طلحه شافعی، سبط ابن جوزی و دیگران.

ینادیهم یوم الغدیر نبیہم بخم

و اسمع بالنبی منادیایا...

یعنی روز غدیر، پیامبر مسلمین در «خم» آنان را ندا در داد و چه شایسته است شنیدن ندای پیامبر؛ که فرمود: چه کسی، پیامبر و مولای شماست؟ گفتند در حالی که هیچ پنهان کاری نداشتند: خدای تو مولای ماست و شما پیامبر ما هستید و در امر ولایت و سرپرستی خود ما را نافرمان نخواهی یافت. پیامبر فرمود: بایست ای علی! که من خشنودم، تو پس از من پیشوا و هادی باشی؛ پس هر که من مولای اویم، اینک علی ولی و سرپرست اوست، پیروان راستین و اهل ولا برای او باشید. در آنجا دعا کرده و گفت: خدایا دوستدار او را دوست بدار و کسی را که با او دشمنی ورزید، دشمن باش.

این شعر حسان، اولین شعر داستانی حدیث غدیر است که در حضور انبوه جماعت بیش از یکصد هزار نفری القا شده و در آن جمع، شعرشناس و سخنور و امثال آن کم نبوده است.

علامه امینی (رضی الله عنه) می نویسد: حافظان حدیث که بالغ بر دوازده تن اند، آن اشعار را گزارش کرده اند و از سرشناسان امامیه هم بیست و شش تن، آن بیت ها را آورده اند.

حسان بن ثابت در دیوانش و جز آن، اشعار زیادی در شأن و منقبت علی (علیه السلام) گفته است. علامه امینی تعدادی از آن ها را آورده است:

اشعاری که در آن ها به ماجرای درد چشم علی و

۱. مداوای رسول خدا، حدیث پرچم، مهر و محبت علی (علیه السلام) به خدا و رسول خدا و مهر و محبت خدا و رسول خدا به علی (علیه السلام)، نوید فتح و پیروزی خبیر به دست امام و امثال آن اشاره کرده است. (۱)

۲. اشعاری که برخی مناقب علی (علیه السلام) را یاد کرده، مانند مصداقیت علی برای آیه شرح صدر و آزموده شدن با ایمان، و اعلمیت او و امثال آن. (۲)

۳. در نزول قرآن در شأن علی به عنوان مؤمن و یاد ولید به عنوان فاسق و نابکار. (۳)

(افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستون) (۴)

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق بوده است؟ هرگز برابر نباشند.

۴. خاتم بخشی و نزول آیه هایی در شأن علی (علیه السلام) و نیز ماجرای شب مبیت و امثال آن.

من ذا بخاتمه تصدق راکعاً

و اسرها فی نفسه اسراراً

کیست که در حال رکوع، انگشترش را صدقه داد و آن را پنهان داشت؟ (۵)

ص: ۱۷

۱- ر.ک: المسترشد، طبری به نقل از ابن ابی شیبیه و جز آن.

۲- کنز العمال، ۶/۱۵۳، ۱۵۶، ۳۹۸ و ...

۳- حلیها لاولیاء، ۱/۶۵.

۴- سجده، ۱۸.

۵- کفایها الطالب، کنجی، ۱۲۳.

(لافتی الا علی و لاسیف الا ذوالفقار)

جوانمردی جز علی و شمشیری غیر ذوالفقار نیست. (۱)

۶. شعر حسان در منقبت فاطمه زهرا (علیها السلام) و دو سبط پیامبر حسن و حسین (علیهما السلام). (۲)

هر گاه مریم، عفت پیشه ساخت و پسری مانند ماه در خشنده در تاریکی به دنیا آورد. هر آینه فاطمه نیز عفت و پاکدامنی کرد و دو سبط پیامبر هدایت را به وجود آورد.

سوم: قیس بن سعد بن عباد

اشاره

قلت لـ مَا بَغَى الْعَدُوَّ عَلِيٌّ نَا

حسبنا ربنا و نعم الوكيل

يوم قال النبي من كنت مولاه

فهذا مولاه خطب جليـل

انـّ مـا قاله النبي على الامه

حتـمـ ما فيه قال و قىـلـ...

روزی که دشمن به ما تجاوز کرد، گفتم پروردگار ما را بس است و چه وکیل و نماینده خوبی است.

پروردگاری که دیروز بصره را برای ما گشود و سخن طولانی است. علی، پیشوای ما و همه امت است.

قرآن بر این معنا نازل شده است. روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر که را من مولایم، این علی مولای اوست، چه امر با جلالتی. آن چه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود بر همه امت حتم و لازم بود و جای سخن و گفت و گو نیست.

ص: ۱۸

این اشعار را آن صحابی بزرگ، سرور خزرج در صفین و در حضور امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خوانده است.

قیس فرزند سعدبن عباد صحابی بزرگی است که از اشراف، امیران، سیاست دانان، سلحشوران، بخشندگان، سخنوران، زاهدان و فاضلان عرب شمرده می شود و در دینداری و التزام مذهب، مکانتی داشته است.^(۱)

خاندان قیس

اشاره

آل قیس در طول تاریخ از خاندان اصیل و شریف و سرآمد انصار بوده اند. قیس در این میان دارای مزایای وجودی فراوان بوده است. علّامه امینی به استناد کتب معتبر تاریخ و حدیث درباره هر یک از عناوین یاد شده، مطالبی آورده است که ما گزیده ای را می آوریم.

شرف و سیادت او

او پیش از اسلام و پس از آن، از سروران و رؤسای خزرج بوده است.^(۲)

امارت و ریاست او

قیس در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از او به عنوان امیر و فرمانده تعیین شده و مأموریت های بزرگی به او واگذار شده است.^(۳)

ص: ۱۹

۱- فصول مختاره، مفید، ۲/۸۷.

۲- الکامل المبرد، ۱/۳۰۹.

۳- صحیح ترمذی، ۲/۳۱۷؛ تاریخ یعقوبی، ۲/۱۷۸.

میزان سیاست دانی و ذکاوت او، از تصمیم گیری های درست و به هنگام او فهمیده می شود. او در میان خزرجیان، از صاحبان رأی و نظر بوده و در سطح بالایی قرار داشته است. (۱)

شجاعت و سلحشوری او

کتابی نیست که به شرح حال او پردازد و درباره سلحشوری و شجاعت و سوارکاری او، سخن نگفته باشد. علامه، در این مورد، شواهد فراوانی را یاد کرده است. (۲)

سخاوت و بخشندگی

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این خصوص فرموده: سخاوتمندی و بخشاینده گی از عادات پسندیده این خاندان بوده است. (۳)

سخنوری او

قیس با آداب سخن، آشنا بوده و در انتخاب جمله ها و کلمه ها مهارت داشته است. او دلی نیرومند و زبانی گشاده و بیانی صریح داشت، سخن بلیغ و رسا می گفت و در بحث و مناظره به سبک های فراوان همراه با منطق و برهان، چیرگی و برتری نشان می داد که او از دانش کتاب و سنت و معارف بهره مند بوده است. (۴)

ص: ۲۰

۱- الاستیعاب، ۲/۵۳۸ و

۲- ارشادالقلوب، دیلمی، ۲/۲۰۱.

۳- الاصابه، ۳/۲۴۹ (۷۱۷۷)؛ الاستیعاب، ۳/۲۲۴.

۴- الامامه و السياسه، دینوری، ۹۳؛ سیره حلبی، ۳/۹۳؛ امالی شیخ طوسی، ۵۸.

در زهد و بی‌علاقگی قیس به مظاهر دنیا، سخن مسعودی کافی است که گفته است: زهد و دینداری و تمایل قیس به علی بن ابی طالب (علیه السلام) جایگاه عظیمی داشته است. (۱)

فضیلت قیس

سخنرانی‌های قیس که در کتب تاریخ و معجم‌های سیره آمده شاهد فضل اوست که او در معارف الهی و کتاب و سنت (۲) آگاهی‌ها داشته و ده سال خدمتکار رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ملازم باب مدینه علم النبی علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده است و دانش‌ها از او آموخته است. (۳)

هرگاه شرایطی را که ماوردی در واگذاری مسئولیت‌ها و امارت‌ها از سوی خلیفه مطرح کرده است در نظر بگیریم، او همه آن شرایط را یکسان داشته است. (۴)

دینداری و التزام به مذهب

در میزان دیانت و التزام او به دین و مذهب همین بس که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی دست به آسمان بالا برد و خاندان قیس را دعا کرد و فرمود: خدایا درود و رحمت خود را بر

ص: ۲۱

۱- مروج الذهب، ۳/۶۳؛ رجال الکشی، ۶۳.

۲- اسد الغابه، ۴/۲۱۵.

۳- اسد الغابه، ۴/۲۱۵؛ طبری ۵/۱۳۱؛ ابن ابی الحدید ۳/۲۵.

۴- رک: الغدیر، ۳/۱۴۸، چاپ مصحح، موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.

خانواده سعد فرو ریز یا فرمود: چه مرد خوبی است سعد بن عبادہ خدایا او و خانواده اش را مورد لطف و مرحمت قرار بده. (۱)

قیس راوی حدیث و...

نام قیس در سلسله راویان حدیث نبوی آمده است و نیز از علی بن ابی طالب (علیه السلام) هم روایت دارد. چنان که از پدرش سعد هم حدیث گزارش کرده است. (۲)

عده ای از اصحاب، از او نقل حدیث کرده اند. علامه امینی (رضی الله عنه) به نام سیزده تن، اشاره دارد. (۳)

قیس با معاویه

مقام والای قیس درباره علی (علیه السلام) در برخوردهای وی با معاویه و بعکس هویدا است. وقتی معاویه از فریب نومید شد به شایعه پراکنی و سندسازی پرداخت. اما قیس قابل نفوذ نبود و بعد از شهادت سبط اکبر، امام حسن (علیه السلام) با معاویه صلح کرد و به مدینه رفت. مورخان گفتمان او و معاویه را در مدینه یاد کرده اند که او هم چنان پر صلابت باقی ماند.

علامه امینی (رضی الله عنه) در این باب، مطالب سودمندی آورده است

ص: ۲۲

۱- و آن دعا فقط به سبب وجود قیس در آن خاندان بوده است. رک: الامتاع مقریزی / ۲۶۳-۵۱۵؛ تاریخ ابن عساکر، ۶/۸۲ و

۸۸؛ سیره حلبی، ۳/۸.

۲- کفایه الطالب، ۳۷؛ نورالابصار، ۸۷.

۳- تهذیب التهذیب، ۸/۳۹۶.

که باید مراجعه کرد و بالاخره قیس در مدینه به سال ۵۹ یا ۶۰ وفات یافته است.^(۱)

چهارم: عمروعاص

عمروبن عاص، یکی از پنج زیرک عرب است که فتنه‌ها از ایشان آغاز و به آن‌ها بر می‌گردد. پدرش به نص قرآن کریم «ابتر» است. [آن شائک هو الابتر]^(۲) و مادرش نیز بی‌نیاز از تعریف است.

از نظر ابن ابی‌الحدید، به نقل از ابوالقاسم بلخی، عمروعاص و معاویه همواره ملحد و زندیق بوده و به آخرت اعتقاد نداشته‌اند.^(۳)

زیدبن ارقم، روزی معاویه و عمروعاص را با هم دید، آمد میان آن دو نشست و گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی این دو را باهم دیدید میانشان جدایی اندازید که آن‌ها هرگز برای خیر جمع نمی‌شوند.^(۴) عمروعاص درباره علی (علیه السلام) گفته بود: علی (علیه السلام) شوخ و مزاح است. این سخن به گوش علی رسید فرمود: شگفتا پسر نابغه می‌پندارد و به مردم شام وانمود می‌کند که در من

ص: ۲۳

-
- ۱- رک: الکامل ابن اثیر، ۳/۱۱۷؛ رجال الکشی، ۷۲؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ۴/۱۷؛ عقدالفرید، ۲/۱۲۱ و جز آن‌ها.
 - ۲- طبقات ابن سعد، ۱/۱۱۵؛ تفسیر کبیر؛ فخر رازی، ۸/۵۰۳.
 - ۳- شرح نهج البلاغه، ۱/۱۳۷.
 - ۴- صفین، نصر بن مزاحم، ۱۱۲.

شوخی و بیهوده گویی هست. بازیگری می کنم و می خندانم. آگاه باشید بدترین سخن، سخن دروغ است؛ خود اوست که می گوید و به دروغ لب می گشاید. وعده می دهد و خلاف می کند، می طلبد و اصرار می ورزد و اگر چیزی از او بخواهند بخل می کند و به عهد و پیمان خیانت کرده و عهد می شکند. هنگامی که جنگ آغاز شود شرمگاهش را وسیله نجات خویش قرار می دهد. (۱)

عمرو عاص با بسیاری از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) موضع گیری های منفی و ناستودنی داشته است. علامه امینی (رضی الله عنه) در الغدير بزرگ به بیان آن ها پرداخته است. (۲)

اما قصیده غدیریه او که به نام جلجلیه نامیده می شود. شصت و شش بیت است و سبب سرودن، آن بوده که معاویه از او خراج مصر می طلبید و او اعتنا نمی کرد. آخرین بار به او نوشت: نامه ها به سوی تو می فرستم و خراج مصر می طلبم و تو خودداری می کنی و نمی فرستی در یک کلام آن را بفرست. والسلام

عمرو عاص در جواب معاویه قصیده مزبور را نوشت که برخی از ابیات آن چنین است: چقدر از محمد مصطفی سفارش های ویژه در حق علی (علیه السلام) شنیده بودیم و در روز غدیر خمّ به منبری بالا رفت و کاروان ایستاده و حرکت نکرده، پیام را رسانید.

ص: ۲۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

۲- الغدير، ۱/۱۲۸-۱۵۵.

آن گاه که تو را بالا بردیم خودمان به پایین ترین درجه افتادیم. آن گاه که دست در دست او داشت و امر خدای عزیز و برتر را اعلان فرمود:

الست بکم منکم فی النفوس

باولی فقالوا بلی فافعل

آیا من در نفوس و جان های شما از خود شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند هستید؛ بفرمایید.

عمرو عاص با طرح واقیعت غدیر خمّ و امامت بر حق علی (علیه السلام) معاویه را وادار به سکوت کرد و از مطالبه خراج مصر منصرفش ساخت.

این قصیده به صورت خطی در دو نسخه و مجموعه ای در مکتبه خدیویه مصر یافت می شود. (۱)

پنجم: محمد حمیری

او دوست عمرو عاص و رئیس دیوان لاک مهر نامه ها از سوی معاویه بوده است. (۲)

علامه امینی (علیه السلام) یک قصیده هفده بیتی، در فضیلت علی (علیه السلام) از او نقل کرده که در ضمن به حدیث غدیر نیز اشارت دارد و ترجمه چند بیت آن چنین است.

شما را به حق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) قسم، حق بگوئید که دروغ

ص: ۲۵

۱- فهرست مکتبه خدیویه، چاپ سال ۱۳۰۷ ۴/۳۱۴؛ شرح جدید، ۲/۵۲۲.

۲- الوزراء و الکتاب جهشباری / ۱۵.

خصلت مردمان پست و رذل است. آیا پس از محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، صاحب شرف و بزرگی - پدر و مادر فدای او - علی (علیه السلام) در میان مردم با فضیلت ترین و شریف ترین، خلق خدا نبوده است؟! ولایت او حقیقت ایمان است، سخنان باطل را رها کن...

تناسوا نصبه فی یوم خمّ

من الباری و من خیر الأنام

منصوب شدن او را از سوی خدای باری و از ناحیه بهترین خلق خدا، به بوته فراموشی سپردند. من از کسانی که او را، [که مقدم بود] عقب زدند، برائت می جویم.

می نویسند چند تن نزد معاویه جمع بودند معاویه یک کیسه پر از زر بیرون آورد و گفت ای شاعران عرب درباره علی بن ابی طالب بگویید و جز حق نگویید و من از اولاد صخر نباشم اگر آن کیسه زر را به کسی ندهم که در حق علی به جز حقیقت نگوید. هر کس چیزی گفت: عمرو عاص به محمد حمیری گفت سخن بگو و جز حقیقت نگو. محمد خطاب به معاویه گفت: تو قسم خوردی که کیسه زر را به کسی دهی که درباره علی (علیه السلام) حقیقت را بگوید؟ معاویه گفت: آری من چنان گفتم و فرزند صخر نباشم اگر چنان نکنم.

آن گاه محمد حمیری شروع کرد و آن قصیده را خواند.

معاویه گفت: تو راستگوترین بودی؛ این کیسه زر را بگیر. (۱)

ص: ۲۶

۱- فرائد السمطين، شيخ السلام حموي؛ بشاره المصطفى، ابو جعفر محمد بن محمد طبري آملی؛ شيعه المرتضى و رياض العلماء.

کمیت بن زید، شاعری دانا به لغت عرب و آگاه از تاریخ آن و از شاعران نام آور است. او در عصر اموی (علیه السلام) زیسته و عباسی ها را درک نکرده است. کمیت، بنی هاشم را دوست می داشته و به مذهب تشیع معروف است.

اصفهان، کمیت را شاعر اولین و آخرین شناخته است. برخی او را دارای چندین خصلت برجسته دانسته اند: فقیه شیعه، حافظ قرآن، بحث کننده در مناظره، شجاع، سخاوتمند و دیندار. (۱)

کمیت در راه مکتب، بسیار فداکار بود به طوری که امام سجاد (علیه السلام) فرمود: ما از دادن پاداش درخور به تو عاجز هستیم، لکن خدا از چنان امری، ناتوان نیست و امامان شیعه در حق او دعاها کرده اند. او قصیده های بائیه، عیثیه، لامیه و میمیه دارد. قصائد هاشیمات کمیت بالغ بر پانصد و هشتاد و هفت بیت بوده (۲) که دست روزگار بسیاری از آن را از بین برده است.

یکی از هاشیمات او قصیده عیثیه اوست که به ماجرای غدیر خم اشارتی لطیف دارد.

و یوم الدوح دوح غدیر خم

ابان له الولایة لو اطیعا...

ص: ۲۷

۱- خزانه الادب، ۲/۶۹.

۲- ابوالفتوح رازی، ۲/۱۹۳؛ مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، ۲/۱۹۴.

و روز گرد آمدن بر پیرامون آن درختان انبوه، در غدیر خم ولایت را برای او (علی) آشکارا بیان کرد، ای کاش اطاعت می شد. لیکن آن مردمان بیعت کردند و من بیعتی به آن عظمت ندیده ام... فرمان رهبرشان را ضایع کردند و از راه راست، منحرف گشتند و حق او را به بوتۀ فراموشی سپردند و به وی ستم کردند با این که سرورشان بود و نقطه ضعفی نداشت... (۱)

ص: ۲۸

۱- الحقائق الوردیه.

سید اسماعیل ملقب به سید؛ امام صادق (علیه السلام) او را سید الشعراء خوانده است. (۱) سید در سال ۱۰۵ هـ در عمان به دنیا آمد و در بصره پرورش یافته و در بغداد عصر هارون عباسی وفات یافته است.

از شگفتی های روزگار آن که پدر و مادر سید، اباضی و خارجی مسلک بوده اند و می خواستند او را بکشند و او خانه را ترک کرده و در جای دیگر زیسته است. از سید پرسیدند در خانه ای که به علی بن ابی طالب (علیه السلام) ناسزا می گفته اند تو چطور شیعه و دوستدار علی (علیه السلام) و اهل بیت بار آمدی؟ گفت: رحمت الهی مرا فرا گرفت. به گفته ابن عبدربه، سید حمیری رأس شیعه بوده و آنان در احترام و بزرگداشت او می کوشیدند. (۲)

ص: ۲۹

۱- رجال الکشی، ۱۸۶.

۲- العقد الفرید، ۲/۲۸۹.

علامه امینی در «الغدیر بزرگ» می نویسد: نه تن درباره عظمت و شخصیت سید اسماعیل حمیری کتاب نوشته اند و از آن جمله است خاورشناس فرانسوی (بریه زی مینا).^(۱)

هم چنان که گزارشگران شعر او بالغ بر چهارده تن هستند.^(۲) نیز برخی بزرگان شیعه او را بسیار ستوده اند که از آن جمله شیخ مفید (رضی الله عنه) است.^(۳)

در تاریخ زندگانی او، قصه های شیرین و ماجراهای شنیدنی و خواندنی آمده است.^(۴)

غدیریه های سید:

اشاره

سید اسماعیل حمیری اشعار فراوانی در مدح امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ماجرای غدیر دارد که در الغدیر بزرگ به آن ها اشاره شده است و ما از هر قافیه نمونه هایی را یاد می کنیم.

۱. قافیه أ:

ای کس که فروشنده دین به دنیا هستی. این، فرمان خدا نیست. چگونه به وصی کینه روا می داری در حالی که احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از او خشنود بوده است.

من الذی احمد فی بینهم

یوم غدیرالخم ناداه

ص: ۳۰

۱- الغدیر، ۱/۲۳۷.

۲- تاریخ بغداد، ۲/۲۵؛ تاریخ ابن خلکان، ۱/۳۵۹.

۳- الفصول المختاره، ۹۳؛ کشف الغمه، ۱۲۴.

۴- ر.ک: الاغانی، ۲/۲۵۰.

آن کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر خم او را با صدای بلند خواند و در میان اصحاب و یارانش برپا داشت و فرمود: این علی بن ابی طالب مولای کسی است که من برای او مولا- بوده ام. ای خدای برتری ها، با دوستدار او دوست و با دشمنان او دشمن باش. (۱)

۲. بایته:

و بخم اذقال الا لا بعزمه

قم یا محمد فی البریه فاخطب...

در روز غدیر خم، آن گاه که خداوند با قاطعیت فرمود: ای محمد در میان مردم بایست و سخنرانی کن ابوالحسن را برای مردم خود رهبر منصوب بدار که اگر چنین نکنی رسالت خود را به پایان نرسانده ای...

این قصیده در یکصد و دوازده بیت سروده شده و به قصیده طلایی معروف است. عالمانی مانند شریف مرتضی نیز آن را شرح کرده اند. (۲)

۳. حایته:

...اوصی النبی له بخیر وصیئ

یوم الغدیر بأبین الافصاح...

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به روز غدیر خم، با روشن ترین بیان، برای او (علی) سفارش و وصیت کرد. (۳)

ص: ۳۱

۱- علامه امینی شش بیت از این قصیده را یاد کرده و در دیوان سید چهارده بیت آمده است. ر.ک: ص ۴۵۳.

۲- این شرح در مصر چاپ شده است و در دیوان یکصد و سیزده بیت آمده است.

۳- ر.ک: دیوان، ۱۵۰.

۴. دایه:

إذا أنا لم احفظ وصاه محمّد

و لا عهده يوم الغدير مؤکدا...

اگر من سفارش محمد و پیمان مؤکد او را که در غدیرخّم انجام داد، حفظ نکنم مانند کسی خواهم بود که به بهای هدایت، ضلالت و گمراهی خریده باشم. این قصیده بیست و پنج بیت است. (۱)

۵. دایه ای دیگر:

يوم قام النبي في ظلّ دوح

و الوری فی ودیقه صیخود...

روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سایه درخت (غدیرخّم) ایستاد، در حالی که مردم از شدت گرما ایستاده بودند، دست علی (علیه السلام) را با دستانش بلند کرد و با صدای رسا فرمود: ای مسلمانان! این (علی) خلیل، وزیر وارث، بازو و یاور من و پسر عمویم است. آگاه باشید هر که را من مولای او بوده ام، این مولای اوست؛ پیمان مرا پاس بدارید...

۶. رأیه:

لقد سمعوا مقالته بخمّ

غداه یضمّهم و هو الغدير...

کلام او را در روز غدیرخّم جماعتی انبوه و به هم پیوسته که در محل غدیر بودند شنیدید که فرمود: کیست که سزاوارتر از شما برای شماسست؟ انبوه جمعیت یک صدا گفتند: شما مولا و سزاوار برای ما هستی و تو هشدار دهنده برای ما

ص: ۳۲

هستی، پس آن گاه فرمود: علی پس از من، ولی، مولا، رهبر و وزیر است.

خدایا! دوستدار او را دوست بدار و به هنگام مرگ، او را با شادی و سرور روبه رو کن و دشمن و بدخواه او را دشمن بدار و در لحظه مرگش با عذاب روبه رو کن.

۷. رأیه ای دیگر:

فقام بخمّ بحیث «الغدیر»

و حطّ الرحال و عاف المسیرا

و قمّ له الدوح ثم ارتقـی

علی منبر کان رحلاً و کورا...

در خمّ _ همان جایگاه غدیر _ به پا ایستاد و بار شتران پایین آورده و از ادامه حرکت باز ایستاد و در حالی که دست حیدر را در دست داشت با صدای بلند و آشکار فرمود هر که را من مولای او هستم اینک علی مولای اوست...

۸. رأیه سوم:

و له یوم الدوح اعظم خطبه

ادّی بها وحی الاله چهارا...

به کسی که با وصی و جانشین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دشمنی می ورزد بگو:

پیامبر با صدای بلند و رسا فرمود این وصی و جانشین من در میان شماست، خود را به نادانی مزیند و به کفر برنگردید. برای او در روز «دوح» و غدیر خمّ، یادی است که آشکارا وحی الهی را رسانید.

۹. رأیه پنجم:

و قال في خم له معلناً

ما لم يلقوه بانكار...

در غدیر خم، آشکارا چیزی فرمود که احدی آن را انکار نکرد. گفت: هر که را من مولای او بودم این علی (علیه السلام) مولای اوست، کافر و ناسپاس باشید... و روز غدیر این را فرمود: این برادر من، وصی و جانشین در امور من است. پروردگارا هر انسانی را که او را دشمن بدارد دشمن بدار و به درون دوزخ شعله ور وارد کن.

۱۰. عینیه:

لام عمرو باللوی مربع

طامسه اعلامها بلقع...

برای امّ عمرو در لوی جایگاهی است با نشانه های فرسوده و بدون آب و گیاه...

آن گاه از طرف خدا فرمان رسید و گزیری از اجرای آن نبود، آن پیام را برسان که اگر چنین نکنی، رسالت او را نرسانده ای و خدا نگهدارنده است. در آن هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به پاخت و همانند موارد دیگر مأموریت را به جا آورد و در حالی که فرشتگان در پیرامون حضور داشتند، فرمود: هر که را من مولای اویم این علی مولای اوست...

این قصیده پنجاه و چهار بیت است و دانشمندانی آن را شرح کرده اند. علامه امینی (رضی الله عنه) به نام پانزده تن از آن ها اشارت دارد. عده ای هم آن را تخمیس نموده اند. (۱)

ص: ۳۴

۱۱. قصیده لامیه:

حتى اذا صار بخم جاءه

جبریل، بالتبلیغ فیهم فنزل...

آن گاه که جبرئیل در غدیرخَم با آیه تبلیغ فرود آمد، سایه آن درخت رفت و روب شد. پیامبر روی بلندی رفت و علی را صدا کرد و او آمد. فرمود: علی در میان شما جانشین من است و در امور به او اعتماد هست. من و او همانند انگشتان یک دست هستیم. علی مانند ندارد. به جای او دیگری را برنگزینید و...

۱۲. لامیه ای دیگر:

بعد ما قام خطیباً معلناً

یوم خم با اجتماع المحفل...

پس از آن که در روز غدیرخَم در آن محفل و اجتماع ایستاد، سخنرانی کرد و فرمود: خدا مرا به وحی خویش آگاه کرد و دین خود را با علی کمال بخشید، او مولای شماست و سرپرستی امت بعد از من با اوست. او شمشیر بران من و دست و زبان من و همواره یاور من است. او وصی و پسرعموی من و نور او نور من، و نور من نور اوست و... هرگز از هم جدا نیستیم.

۱۳. لامیه سوم:

قد قام یوم «الدوح» خیرالوری

بوجه للناس یتقبل

و روز «دوح» یعنی غدیرخَم روبه روی مردم ایستاد و فرمود:

من برای هرکس مولا بوده ام این علی برای او پناهگاه است.

۱۴. لامیه چهارم:

قام النبی یوم خَمّ خاطباً

بجانب الدوحات او خیالها

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز خَمّ در کنار آن درختان و در سایه آن ها سخنرانی کرد و فرمود: من هرکس را مولا بوده ام، این علی مولا و سرور اوست. خدایا گواه باش و این سخن را بارها گفت تا همه گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم... .

سید در برخی ابیات این قصیده به گفتمان علی (علیه السلام) در رجب که به حدیث غدیر استناد جسته اشاره کرده و نیز به کار انس بن مالک که از شهادت و گواهی دادن دریغ ورزید و مشمول نفرین گردید، پرداخته است. (۱)

۱۵. قصیده میمیه:

اشاره

و اوجب یوماً بالغدیر و لائه

علی کل برّ من فصیح و اعجم...

و روز غدیر، ولایت علی را واجب کرد و بر هر فرد عرب و غیرعرب لازم دانست و در کنار درخت خَمّ، دست او را گرفت و آشکارا از علی (علیه السلام) نام برد و وصیت نمود و میراث علم دین را به او گذاشت. از این قصیده چهل و دو بیت یافت می شود و علامه امینی بیست و چهار بیت را آورده و در دیوان نیز سی و نه بیت است.

ص: ۳۶

۱- ر.ک: دیوان سید با شرح و توضیح حکیم، ۳۲۹.

سید حمیری وقتی شنید رئیس اباضیه و خوارج از علی (علیه السلام) بد می گوید و از او در نزد منصور دوانیقی سعایت می کند و چیزهایی مطرح می نماید که او را بکشد این قصیده را به ابن اباض فرستاد او بیشتر به خشم آمد. در نظر فقها و قاریان نیز از وی بد گفت و همگی در نزد منصور گرد آمدند. سید را هم حاضر کردند. منصور پرسید ادعای شما چیست؟ پسر اباض گفت: او (سید حمیری) سلف را ناسزا می گوید و به رجعت، عقیده دارد و خلافت شما و خاندان شما را قبول ندارد.

منصور گفت: مرا رها کن. شخصاً با او چه مسئله ای دارید؟ آن گاه رو به سید کرد و پرسید درباره آن چه گفتند چه می گویی؟ سید گفت: من به کسی ناسزا نمی گویم و به همه اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) رحمت می فرستم. این پسر اباض است. شما از او بخواهید به علی، عثمان، طلحه و زبیر رحمت بفرستد. منصور گفت بر این یاد شده ها رحمت بفرست. زبان ابن اباض بند آمد منصور با چوبدستی اش به او زد و فرمان داد به حبس ببرند و همراهان او را تنبیه کردند و به سید پانصد هزار درهم عطا نمودند. (۱)

ص: ۳۷

۱۶. قصیده ای دیگر:

... جحدوا ما قاله فی صنوه

یوم خَمّ بین دوح منتظم ...

آن چه را که پیامبر مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره پسرعمویش در روز غدیرخَمّ، در میان انبوه درختان قد برافراشته، بیان فرموده بود انکار کردند. او فرموده بود: ای مردم هر که را من برای او مولا بوده ام و بر او حقی دیرینه دارم این علی مولای اوست و آن قضای حتمی الهی است.

۱۷. قصیده سوم:

و قال محمد بغدیرخَمّ

عن الرحمن ینطق باعترام...

و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیرخَمّ، با عزمی قاطع که از سوی خدای مهربان سخن می گفت، اشاره به او (علی) کرد و فرمود: آگاه باشید هر که را من مولای او بوده ام، برادرم [علی] مولای اوست. سخن مرا بشنوید.

۱۸. قصیده چهارم:

اشاره

علی آل الرسول و أقریه

سلام کَلِّما سجع الحمام...

رسول الله یوم غدیرخَمّ

اناف به و قد حضر الأنام

بر رسول خدا و خویشاوندان نزدیک تر او تا آن زمان که کبوتران بانگ برآرند، سلام باد. آیا آنان ستارگان آسمان نبوده اند و نشانه های عزت پایدار نیستند؟ ای کسی که در وادی ضلالت سرگردانی، بدان! پیشوا، همان امیرالمؤمنین علی است که رسول خدا در روز غدیرخَمّ در حضور انبوه مردم به بلندی رفت و دست او را بالا برد.

نکته ای درباره میمات سید حمیری (رضی الله عنه):

حکایت شده که باربری را دیدند که چیز سنگینی می برد که بر دوش او گران بود پرسیدند آن چیست گفت: قصائد میمیه سید است!

۱۹. نوبته:

نفسی فداء رسول الله يوم

اتی جبرئیل بأمر التبلیغ اعلانا...

جانم فدای رسول الله باد آن روزی که جبرئیل امر تبلیغ را آشکارا بر آورد، که اگر نرسانی رسالت را تبلیغ نکرده ای. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قامت برافراشت و امثال امر نمود و به مردم گفت:

قبل از غدیر خم، مولای شما که بود؟ پاسخ دادند: شما بودید و هستید. ما گواه آنیم که تو خیر خواه ما بودی و امر خیر را برای ما بیان داشتی. فرمود: این (علی) پس از من ولی شماست من مأمور هستم این را برسانم. یاران خوبی برای او باشید...

۲۰. نوبه ای دیگر:

... علی شجرات فی الغدیر تقادمت

فقام علی رحل ینادی و یعلن ...

در کنار درختان کهن در غدیر خم پیش آمد و بر بلندی رفت و آشکارا فرمود هر که را من مولای او بودم پس از من این علی مولای اوست؛ باور کنید... .

۲۱. قصیده یائیه:

... اقام بخم بحیث الغدیر

فقال فاسمع صوتا ندیا ...

مهر خالص من از آن وصی است و محبت ناب من جز

برای علی نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا به چنین مهر و محبت فراخوانده و من اجابت کرده ام. دوستی و دشمنی من بر محور اوست و دوستدار او را دوست می باشم. در غدیر خم به پاخاست و با صوت رسا فرمود هرگاه من از میان شما رخت بربستم، این (علی) مولای شماست و این امر بر عرب و غیر عرب تفهیم شد.

۲۲. یائیه ای دیگر:

بِهِ وَصَّى النَّبِيُّ غَدَاهُ خَمًّا

جميع الناس لو حفظوا النبيا ...

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در فردای خم همه مردمان را سفارش کرد اگر پیامبر و سفارش او را رعایت کرده باشند. آن ها را ندا در داد و فرمود: ای بندگان خدا! آیا من برای شما مولا نیستم؟ گوش دهید. در پاسخ گفتند: تو مولای ما و بر ما از خود ما سزاوارتر هستی. پس علی (علیه السلام) را به خود پیوست و به آن ها با صدای آشکار و به همه زنده دلان شنونده و فرمود: هر که را من مولای او بوده ام، ابوالحسن علی را برای او ولی و پیشوا قرار دادم. خدا دشمن او را در میان شما دشمن و دوستدار او را دوست باشد.

۲۳. یائیه سوم:

وقام محمد بغدیر خم

فنادی معلناً صوتاً ندیا...

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم ایستاد و با صدای رسا، ندا در داد و همه عرب و غیر عرب را که گرداگرد درختان، حلقه زده

بودند فراخواند و گفت: آگاه باشید هر که من مولای او بودم، این علی مولای اوست...

هشتم: عبدی کوفی

او از شاعران اهل بیت پاک و از کسانی است که به ولای آنان تقرب می جست و بیشترین اشعارش را در ستایش آل علی و مناقب امیرمؤمنان سروده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به فرزندانان شعر عبدی را بیاموزید که او بر دین و آیین خداست و امام به شعر او، استناد می جسته است.

علامه امینی (رضی الله عنه)، اشعار و مطالب فراوانی از عبدی کوفی نقل کرده که همگی آموزنده و مفیدند. از جمله به قصیده ای باینه، که دارای هشتاد و اندی بیت است، اشاره دارد. ما به ترجمه برخی از ابیات آن می پردازیم.

بَلِّغْ سَلَامِي قَبْرًا بِالْغُرَى حَوِي

اوفی البریه من عجم و من عرب...

سلام مرا در غری و نجف به قبری برسان که با وفاترین انسان ها را از عرب و غیرعرب در بر گرفته است، شعار خود را برای خدا و خضوع و خشوع بر آستان او و برای بهترین وصی و بهترین پیامبران قرار بده.

ای ابالحسن! بشنو، آن هایی که حکم تو را به بوته فراموشی سپردند و از راه حق عدول کردند. آن ها بد راهی پیش گرفتند.

و کان عنها لهم فی «خَمّ» مزدجر

لَمَّا رقی احمد الهادی علی قتب...

و هنگامی که احمد هادی (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فراز جهاز شتران ایستاد و در غدیرخَمّ بر ایشان هشدار داد، آن جا که فرمود: ای علی! بایست من مأموریت دارم به مردمان برسانم، تبلیغ و رساندن سزاوار من است. من علی را راهبر و پرچم و نشان هدایت برای پس از خودم نصب کردم و علی بهترین منصوب است. ابن شهر آشوب نیز سه بیت از عبدی نقل کرده است. برای علی در تمام روزگار جز برادرش محمد، مانندی نیست.

هنگامی که قریش و مشرکین مکه، در ليله المبيت قصد جان او کردند، علی بود که جان نثاری نمود.

و وافاه فی خم و ارتضاه

و خلیفه بعده وزیر...

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم در خَمّ، وفا کرد و از او خشنود شد که بعد از او وزیر و جانشین شود. (۱)

ص: ۴۲

نهم: ابوتمام طائی

ابوتمام طائی، حبیب بن اوس یکی از رؤسای امامیه و بزرگان شیعه در قرن های گذشته و از پیشوایان ادب و لغت است که در شناخت شعر و اسلوب های نظم، مرجع بوده است.

ابوتمام در اصل شامی است. اما در مصر نشو و نما یافته و به عراق و ایران هم سفر کرده است. پانزده تن دیوان شعر او را گردآورده و مرتب کرده اند و سیزده نفر درباره شرح احوال او کتاب نوشته اند. سال های ولادت و فوت او مورد اختلاف است.

قصیده غدیریّه او یکصد و چهل و سه بیت است که علامه امینی چهل و پنج بیت آن را آورده است. برخی از بیت های این قصیده را که درباره غدیر سروده است، می آوریم.

فعلتم بانباء النبی و رهطه

افاعیل ادناها الخیانه و المکر...

با فرزندان پیامبر و خاندان او کارهایی کردید که کمترینش خیانت و نیرنگ بوده است، و پیشتر با وصی او مخالفت کردید، همان برادر او [پیامبر] اگر سخن از افتخارات به میان

آید و پسر عمو و دامادش، نه برادری مثل او و نه داماد و پسر عمویی همانند او یافت شود. بازوی محمد به واسطه او محکم شد، همانند بازوی موسی با هارون، او شمشیر خدا و شمشیر رسول خدا بود، در تمام مشاهده: بدر، احد، خیبر، نضیر، حنین و خندق پیروزی می آفرید و غم و غصه می زدود.

و يوم الغدير استوضح الحق اهله

بضحياء لافيه حجاب ولاستر...

در روز غدیر و در میان روز، حقیقت را برای اهل آن بدون پرده و پوشش، آشکار کرد. رسول خدا برپا ایستاد و آنان را به ولایت علی فراخواند، بازوان او را گرفت و نشان داد که ولی و سرپرست و جانشین او، علی است.

دهم: دعبل خزاعی شهید

اشاره

دعبل بن علی کوفی است اما بیشتر در بغداد اقامت داشته و از دست معتصم عباسی فرار کرده بود و در اطراف و اکناف می گشت. او به حجاز و مصر و ایران سفر کرده است. گاهی از شهر بیرون می رفت و از نظر مردم پنهان می شد و پس از چندین ماه برمی گشت. (۱)

دعبل مدتی با شیعیان در شهر قم گذراند. آنان هر ساله پانصد هزار درهم به او صله می دادند. (۲)

ابعاد شخصیت دعبل:

ص: ۴۴

۱- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ۱۸/۳۶.

۲- ابن معتز، طبقات، ۱۲۵.

او فانی در ولای اهل بیت عصمت و طهارت و در شعر و ادب و تاریخ نابغه بوده است. او از روایان حدیث و از اصحاب امامان معصوم محسوب می شود.

دعبل در سال ۱۴۸ هـ، متولد شد و به سال ۲۴۶ هـ، به شهادت رسیده است. (۱)

تائیه دعبل، قصیده ای طولانی است که بزرگانی به آن اهتمام داشته اند. این شعر، از نیکوترین اشعار و نفیس ترین آثار به حساب می آید. دعبل بخش هایی از آن را در حضور برخی امامان خوانده و مورد تشویق آنان قرار گرفته است. علامه امینی، بیست و پنج بیت آن را آورده و البته آن را یکصد و بیست و یک بیت دانسته است. استاد عبدالکریم الأشر، یکصد و هیجده بیت آن را آورده است. (۲)

ما به ترجمه برخی ابیات آن می پردازیم:

... ولو قلّوا الموصی الیه امورها

لزمّت بمأمون عن العثرات...

اگر زمام امور را به دست خلیفه سفارش شده می سپردند، امت از لغزش ها در امان می ماند. همان برادر خاتم رسولان، که از هر آلودگی، پاک و مبراست و پشت پهلوانان را در میدان های نبرد بر زمین آورده است؛ و اگر منکر شدند روز غدیر، بدر، احد و روزهای سخت و طولانی را شاهدند که

ص: ۴۵

۱- الغدیر، ۱/۳۸۴؛ معجم البلدان، ۴/۴۱۸؛ الاغانی، ۱۸/۶۰.

۲- شعر دعبل، ۳۱۴/.

آیه هایی از قرآن در فضیلت او، تلاوت می شود از جملات ایثار و از خود گذشتگی اش در مورد طعام خود در موقع قحطی و نداری.

یازدهم: ابواسماعیل علوی

او از فرزندان عباس بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) و شاخه درخت تناور امامت و از مفاخر عترت طاهره است. (۱)

علامه امینی (رضی الله عنه) در اشاره به غدیرختم، قطعه ای از او نقل کرده که چند بیت آن چنین است:

... و صاحب یوم الدوح اذ قام احمد

فنادی برفع الصوت لا بتهمهم ...

او صاحب روز «غدیرختم» و روز آن درخت «دوح» است که احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در سایه آن ایستاد و با صدای بلند و بدون تردید فرمود:

ای علی! من تو را در مورد خودم به منزله هارون نسبت به موسای کلیم قرار دادم. درود خدا به او مادامی که ستاره ای می درخشد و کاروان های احرام بسته، پیرامون بیت طواف می کنند. (۲)

دوازدهم: وامق نصرانی

بقراط پسر اشوط ارمنی مسیحی، از ستایش گران اهل بیت عصمت (علیه السلام) بوده است. (۳)

ألیس بختمّ قد اقام محمد

علیاً باحضار الملا فی المواسم...

ص: ۴۶

۱- خطیب، تاریخ بغداد، ۱۲/۱۳۶.

۲- مرزبانی، معجم الشعراء، ۴۳۵.

۳- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۲۸۶ و ۵۳۲.

آیا در غدیر خم، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دست او را در حضور همه در موسم بلند نکرد و فرمود: هر که من مولای او هستم، پس از من مولا برای او علی پسر فاطمه (بنت اسد) است؟

و سپس دعا کرد و گفت: خدایا! دوستدار دوست او باش و دشمنان او را دماغ بر خاک بمال و دشمن باش.

چه بسا خواننده در شگفت آید که چگونه یک نفر مسیحی، علی بن ابی طالب را ستایش می کند. اما این کار عجیب و شگفت آور نیست. اگر مؤلف، نویسنده ای آگاه از تاریخ و دارای روح انصاف باشد، فضائل و بزرگواری هایی را ثبت می کند، چنان که در میان مسیحیان و کلیمیان نیز بوده و هستند افرادی که در شأن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کتاب ها نوشته اند. چنان که علامه امینی (رضی الله عنه)، نام و نشان و عنوان کتاب های سی تن از آنان را یاد کرده است. (۱)

این شاعر مسیحی در یک قطعه شش بیتی دیگر به حدیث نبوی «من و علی از یک درخت هستیم و بقیه مردم از درختان دیگر»، به زیبایی اشاره دارد.

از دیگر مسیحیان در این اواخر، که علی (علیه السلام) را ستوده، عبدالمسیح انطاکی مصری با قصیده طولانی علویه مبارکه که دارای پانصد و پنج بیت در مدح مولا است. پولس سلامه، قاضی مسیحیان بیروت نیز پس از قرائت کتاب

ص: ۴۷

«الغدیر» قصیده سه هزار و هشتاد و پنج بیتی، همراه با تحلیل و دقت نظر سروده و فرستاده است. (۱)

سیزدهم: ابن الرومی

ابوالحسن علی بن عباس، مشهور به ابن الرومی از مفاخر شیعه و از نابغه های امت مسلمان است. اشعار طلائی او بر رونق بلاغت افزوده است برخی نیز به گردآوری آثار و اخبار او اهتمام ورزیده اند. (۲)

... قال النبی له مقالاً لم یکن

یوم «الغدیر» لسامعیه ممججاً

من کنت مولاه فذا مولی له

مثلی و اصبح بالفخار متوجاً ...

گوهر او را مانند طلای ناب می بینم. مکانتش در فضل و کمال چون خورشید و ماه شب چهارده بلند و والاست. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز «غدیر» برای شنوندگانش، با فصاحت تمام فرمود: هر که را من برای او مولا بوده ام، این علی همانند من، برای او مولاست.

بدین وسیله تاج افتخار بر سر وی نهاد، همان گونه که پیشتر نیز به افتخار همسری فاطمه نائل شد. آن گاه که او خواستگاری عدّه ای را رد کرد و علی را برگزید. (۳)

چهاردهم: حمانی افوه

اشاره

ص: ۴۸

۱- این قصیده در کتابی سیصد و هفده صفحه ای چاپ شده است.

۲- از جمله عباس محمود عقّاد در کتابی سیصد و نود و سه صفحه ای که علامه امینی، بیشتر از او بهره برده است.

۳- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳۱، چاپ ایران.

ابوالحسین علی بن محمد کوفی، در میان علویان به شعر و ادب و ذوق مشهور بوده است، چنان که خود می گوید: بین پدرم و نیایم تا ابوطالب همه شاعر بوده ایم. (۱)

حمّانی، دارای دلی قوی و روحی ظلم ستیز بوده و از فرزندان زید شهید است. در تاریخ ولادت او اختلاف است و به احتمال قوی در سال ۳۰۱ هـ، وفات یافته است. (۲)

اما غدیریّه او:

فرزند کسی که آفتاب پس از غروب برای او برگردانده شد و او تقسیم کننده آتش به روز قیامت و حساب است.

مولا هم یوم الغدیر

بر غم مرتاب و آبی ...

مولا و سرپرست ایشان در روز غدیر، به رغم بر خاک مالی دماغ شک کننده و منکر علی بوده است.

شما خطبه خم را فراموش کردید؟ آیا می توان بنده را به مولا تشبیه کرد؟!

علی مولا و سرور کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای او مولا بوده است.

علّامه امینی (رضی الله عنه) به تناسب آن که حمّانی از نسل زید شهید بوده و قوت قلب و ابای نفس را از او به ارث برده است،

ص: ۴۹

۱- حموی، نسعه الحسر و معجم الادباء، ۵/۲۸۵؛ عمدهالطالب، ۲۶۹.

۲- مروج الذهب ۲/۴۱۳؛ ابن اثیر، الکامل، ۷/۹۰.

فصلی درباره زید و شیعه امامیه اثنی عشریه گشوده و با ذکر حقایق تاریخی به روشنگری در مورد آنان پرداخته است.

نقد و اصلاح:

علامه امینی (رضی الله عنه)، هم چنان که در بحث از دعبل برای اصلاح تاریخ، درباره مختاربن ابی عبیده ثقفی، بابی گشوده با نفی نسبت های غیرواقعی، ابهام از چهره او زدوده است.

وانگهی به همین جهت که عده ای به نام مؤلف و نویسنده صفحات تاریخ را سیاه و کاروان بشری را دچار سردرگمی کرده حقایق را انکار و واقعیاتی را مسخ نموده و بالاخره در ناآگاه ماندن نسل کوشیده اند. او به افشاگری پرداخته و صفحاتی از الغدیر بزرگ را در معرفی این چهره های نامیمون اختصاص داده است.

علامه امینی (رضی الله عنه) تحت عنوان فوق، کتاب ها و نویسندگان یاد شده ذیل را مطرح و سخنانشان را به نقد کشیده است:

۱. عقدالفرید، ابن عبد ربه اندلسی.

۲. الانتصار، عبدالرحیم خیاط معتزلی.

۳. الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی.

۴. الفِصَل فی الملل و الأهواء والنحل، ابن حزم ظاهری اندلسی.

۵. الملل و النحل، محمدبن عبدالکریم شهرستانی.

ص: ۵۰

٦. منهاج السنه، ابن تيميه حرّاني، حنبلي.
٧. البدايه و النهايه، ابن كثير دمشقي.
٨. محاضرات، تاريخ الامم الاسلاميه، شيخ محمد خضري.
٩. السنّه و الشيعه، رشيد رضا، صاحب المنار.
١٠. الصراع بين الوثنيه والاسلام، عبدالله على قصيمي.
١١. فجرالاسلام، احمد امين مصري.
١٢. ضحى الاسلام، احمد امين مصري.
١٣. ظهرالاسلام، احمد امين مصري.
١٤. الجوله فى ربوع الشرق الادنى، محمد ثابت مصري.
١٥. عقيدهاالشيعه، خاورشناس رونالدسن.
١٦. الوشيعة فى نقد عقائد الشيعة، موسى جارالله.

ابوالحسن محمدبن احمد از دانشمندان و ادیبان عصر خود بوده و دارای آثاری ماندگار است. (۱)

نسبش با پنج واسطه به سبط اکبر امام حسن مجتبی (علیه السلام) می رسد.

علامه، غدیریّه ای چهاربیتی خطاب به ابوعلی رستمی، از او آورده است. (۲)

یا من یُسْرِلی العداوة فابدها

و اعمد لمکروهی بجهدک او ذر...

ای کسی که برای من دشمنی، پنهان می کنی، آن را آشکار کن. در بدخواهی من بکوش یا رها کن که برای خدا در نزد من عادت سپاس است، در حق کسی که با من عداوت می وزرد. پس سرگردان مباش.

انا واثق بدعاء جدی المصطفی

لأبّی غداه «غدیرخّم» فاحذر

ص: ۵۳

۱- مرزبانی، معجم الشعراء، ۴۶۳؛ ابن ندیم، فهرست، ۲۲۱؛ حموی، معجم الأدباء، ۳/۵۸.

۲- ثعالبی، ثمار القلوب، ۵۱۱.

من به دعای نیایم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که برای پدرم در روز غدیر خم فرمود، اطمینان دارم. به هوش باش! و خدا در اثر آن دعا ما را در مورد دوست و دشمن خوشبخت کرده است، تو صبر کن.

اصفهانی در سال ۳۲۲ هـ، وفات یافته است و او را در اصفهان نسلی پایدار است. (۱)

شانزدهم: ابن علویه اصفهانی

ابوجعفر احمد ابن علویه، از پیشوایان حدیث و استادان علمای امامیه و مورد اعتماد بوده است. او در ادبیات و شعر نیز دستی بلند و بالا و رتبه ای در اوج داشته است. (۲)

او در سال ۲۱۲ هـ، متولد شده و در ۳۲۰ هـ، در گذشته است. (۳) علامه امینی (رضی الله عنه)، غدیریّه او را در چهارده بیت آورده که از آن جمله است:

صلی الاله علی ابن عمّ محمد

منه صلوه تُغمد بحنان

و له اذا اذکر الغدیر فضیله

لم ینسها مادامت الملوان ...

خدا به پسر عموی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از سوی خود درود بفرستد، پوشیده به رأفت و رحمت و برای او به هنگام یاد از غدیر خم فضیلتی است که تا شب و روز هست فراموش

ص: ۵۴

۱- نسابه عمری، المجدی.

۲- نجاشی، فهرست؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء و... .

۳- الغدیر، ۳/۳۵۱.

نمی شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به توضیح ولایت قیام کرد همان ولایتی که از سوی خداوند پاداش دهنده، نازل شد و فرمود: برسان آن چه را مأمور شدی و به خدای نگاهدارنده مهربان اطمینان داشته باش. پیامبر به نماز جماعت فراخواند و او [علی] را با سخنی نیکو و روشن معرفی کرد و فرمود آیا من ولی شما نیستم؟ گفتند: چرا، هستی. فرمود این ولیّ دوّم شماست... (۱).

هفدهم: المفجّع، محمد بن احمد

او از مردان علم و حدیث و نحو بوده و در میان پیشوایان لغت و ادب، به مثابه مروارید درشت می درخشیده است. او از اصحاب امامیه است و شعر فراوان سروده است. (۲).

محمد، آثار ارزشمندی داشته که علامه امینی به نُه عنوان از آن ها اشارت دارد. (۳)

قصیده غدیریه او یکصد و شصت بیت است که به قصیده اشباه یا ذات معروف است و به حدیث نبوی در شباهت های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به پیامبران اشارت دارد. ابیاتی از آن به قرار زیر است:

ای آن که مرا برای خاطر محبت علی نکوهش می کنی، با خفت و خواری گام به سوی دوزخ بردار. آیا به بهترین انسان

ص: ۵۵

۱- معجم الادباء، ۳/۷۲-۷۷.

۲- مرزبانی، معجم الشعراء، ۴۶۴؛ معجم الادباء، ۱۷/۱۹۰-۲۵۰.

۳- الغدیر، ۳/۳۶۳.

تعرض می کنی؟ همواره از هدایت، دور و ممنوع باشی. او در کهولت و جوانی و شیرخوارگی و در غذا خوردن شبیه پیامبران بوده و در علم و دانش آدم که اسماء به او آموخته شده و مانند نوح صاحب کشتی نجات بوده ...

لم یکن امره بدوحات خَمّ

مشکلا عن سیله ملویاً ...

کار او در کنار درختان خَمّ (غدیرخَمّ) مشکلی نبود. مرتضی را برای مردم نصب کرد و فرمود: این مولای کسی است که من برای او مولا بوده ام هر که او را دشمن بدارد، مهم نیست یهودی یا نصرانی بمیرد.

مفجع در بصره متولد شده و در سال ۳۲۷ هـ، وفات یافته است.

هجدهم: ابوالقاسم صنوبری احمد بن محمد

او شاعری شیعی و خوش سخن بوده و اشعار فراوان او درباره علی (علیه السلام) نشانه تشیع اوست. ابن شهر آشوب او را از ستایشگران اهل بیت برشمرده است.

غدیریه او قصیده ای چهل و دو بیتی است که با تغزل آغاز می کند و از آن جمله است:

حیی النبی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و وصیه

مع حب فاطمه و حب ینیها

اهل الکساء الخمسة الغرر التی

بینی العلاء بعلاهم بانیها

من به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و جانشین مورد وصیت او، همراه فاطمه و فرزندانش مهر می ورزم. پنج تن اهل کساء که بانیان،

هر بلندی را به بلندای آنان می سازند.

آخاه فی خَمّ و نوّه باسمه

لم یأل فی خیر به تنویها...

در خَمّ او را برادر خود خواند و نام او را برد و هیچ نکویی نماند که برای او یاد نکند.

فرمود با فضیلت ترین شما علی است. حکم او پیش می رود و او برای من مانند هارون است برای موسی ...

نوزدهم: قاضی تنوخی

ابوالقاسم علی بن محمد، نسبش به نوح پیامبر می رسد. او در کلام، دانشمندی ذوفنون و در فقه و فرائض پیشرو و ماهر و حافظ حدیث، پیشوا در شعر و ادب و دارای آگاهی در نجوم و هیئت بوده است. در انواع دانش ها دارای اثر است؛ از آن جمله «الفرج بعد الشده» و غیر آن.

تشیع او از پاسخی که به شاعر عباسی داده است هویداست. غدیریه او که علامه امینی نیز آورده هشتاد و سه بیت است.

و من قال فی یوم الغدیر محمد

و قد خاف من غدر العداة النواصب...

به بهترین انسانی که بر زمین گام نهاده و به گرامی ترین کسی که در میان مردم راه رفته است و بر دو سبط مصطفی، عیب و ایراد می گیرند. (به آن شاعر) بگو در عین پستی می خواهی دست به سوی ستارگان بیاویزی، کار قرمطیان را به دروغ به اهل بیت بزرگوار و پاک نسبت می دهی... وزیر

پیامبر مصطفی و وصی و جانشین او که در خلق و طبیعت، شبیه هم بوده اند، کسی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر خم، با وجود بیم از دغل کاران ناصبی فرمود: بدانید هر که را من از خود او سزاوارتر به وی هستم، این برادرم پس از من، صاحب امر و مولای اوست. همگی از او فرمان ببرید. او نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی بن عمران است. (۱)

بیستم: ابوالقاسم زاهی

علی بن اسحاق مشهور به زاهی از نوابغ و شاعرانی بوده که در اشعارش به نفع اهل بیت موضع گرفته و بر آیین آنان می زیسته است.

زاهی در سال ۳۱۸ هـ به دنیا آمده و در سال ۳۵۳ هـ از جهان رخت بر بسته است. (۲) در کتب معاجم بدان سبب که او به اهل بیت گرایش نشان داده و اشعارش مشحون از مهر و ولای آنان است، کمتر به وی پرداخته اند. علامه امینی (رضی الله عنه) نیز بدان جهت از نمونه اشعار او، فراوان نقل کرده است. (۳)

زاهی در قصیده هایی با قافیه هایی (صاد)، (را) و (ها) به مدح امام علی و یاد غدیر پرداخته است، که از آن جمله است:

من ارتقی متن النبى صاعداً

و کسر الاصنام فی اولی الفرص...

ص: ۵۸

۱- ر.ک: ابن العماد حنبلی، شذرات الذهب ۲/۳۶۲.

۲- ابن خلکان، وفيات الاعیان ۳/۳۷۱.

۳- الغدير ۳/۳۹۱-۳۹۷.

کسی که از دوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بالا رفت و در اولین فرصت، بت ها را شکست و کعبه را از آلودگی ها پاک کرد و پایین آمد و کسی که به روز تنهایی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) جان خویش را فدای او کرد و در رختخواب او آرمید و کسی که در بدر و احد گردن گردنکشان را در برابر حق شکست و جبرئیل ندای «لافتی الّا علی» در داد و کسی که در روز خیبر پرچم به دست گرفت و دشمن را شکست داد و در خیبر را از جای در آورد.

و خدا «هل اتی» برایش نازل کرد و همان که انس از گواهی دادن دریغ ورزیدن و به مرض برص گرفتار گشت، آن گاه که علی گواهی خواست که چه کس در غدیر شاهد بود.

اذ قال من یشهد بالغدیر لی

فبادر السامع و هو قد نکص

فقال انسیت فقال کاذب

سوف تری مالا تواریه قمص

آن گاه که علی فرمود چه کسی جریان غدیر را به نفع من گواهی می دهد، شنونده ای شنید و گام عقب نهاد و گفت فراموش کرده ام. فرمود دروغ گفתי سپس خواهی دید اثر نفرین را که با پیراهن و آستین نتوانی پوشیده بداری.

تا آنجا که در رائیه ای گوید:

من قال احمد فی یوم الغدیر له

بالنقل فی خبر بالصدق مأثور

قم یا علی فکن بعدی لهم علماً

واسعد بمنقلب فی البعث، محبور...

آن که پیامبر، در روز غدیر ختم به او، برابر خبر راست و درست فرمود ای علی بایست بعد از من پیشوا و رهبر باش.

مولای آنان و سرپرست شان تو هستی که خدای عرض فرمان داد برسان تا بهترین مأمور باشی و اگر نکنی فرمان مرا اجرا نکرده ای.

و در هائیه ای دیگر گوید:

مَنْ فَرَضَ الْمُصْطَفَى وَلاَهُ عَلَى

الْخَلْقِ يَوْمَ «الْغَدِيرِ» إِذْ رَفَعَهُ

علی آن کسی است که محمد مصطفی در روز غدیر خم او را بالا برد و ولایتش را فرض گردانید.

و در رائیه دیگر:

أَقِيمْ بِخَيْمِ الْخِلاَفَةِ حَيْدَرَ

و مِنْ قَبْلِ قَالَ الطَّهْرَ مَالِيسَ يَنْكُرُ...

حیدر در غدیر خم به پا داشته شد و بیشتر نیز پیامبر پاک، چیزی گفته بود که جای انکار نبود. (۱)

بیست و یکم: ابوفراس حمدانی

اشاره

حارث بن ابی العلاء حمدانی از شخصیت های چندبعدی است. او در مسابقه آرایش سخن، مورد ستایش است، هم چنان که در میدان جنگ و بسیج سپاه و لشکر، شجاع و سرآمد بوده است. معلوم نیست آیا او در سخنوری مهارت بیشتر دارد یا در امور نظامی و لشکری دلاورتر است. کوتاه سخن آن که در هر دو باب سرشناس و سرآمد بوده است.

او در سال های ۳۲۰ و یا ۳۲۱ هـ، به دنیا آمد و در سال

ص: ۶۰

۱- تاریخ بغداد، ۱۱/۳۵۰؛ یتیمه الدهر، ۱/۱۹۸؛ مرآة الجنان، ۲/۳۴۹؛ مجالس المؤمنین، ۴۵۶؛ الکنی و الالقاب، ۲/۲۵۷؛ زرکلی؛ الاعلام، ۲/۶۵۹ و جز آن ها.

۳۵۷ هـ، کشته شد. (۱) ابواسحاق صابی مرثیه ای برای او سروده است: او به اهل بیت ارادت می ورزیده و طی سروده هایی روح تو سل به ساحت آنان را ابراز داشته و نکات نغز و حکمت آموزی را به نظم کشیده است:

از صبر نیکو هزینه کن. هر کس از صبر و شکیب خرج کند، بینوا نگردهد. مرد تا حرکت نکند به مقامی نرسد، چنان که عقاب در آشیانه به شکار نمی پردازد، بلکه در فضا به پرواز درمی آید.

غدیریّه حمدانی:

غدیریّه او میمیه ای است پنجاه و هشت بیتی که در دیوان مخطوطش محفوظ است. متأسفانه ناشر دیوان، ابیاتی را انداخته و تنها پنجاه و سه بیت آورده است. حمدانی در قصیده ای به نام «شافیه» در جواب شاعر متعصب عباسی که می خواسته از شأن آل علی بکاهد، فضائی را برشمرده است:

الحق مهتضم و الدین مخترم

و فیء آل رسول الله مقتسم ...

حق پایمال شده و دین خلل برداشته و سهم آل رسول خدا به یغما رفته است.

فرزندان علی در شهرهایشان، به صورت رعیت می زیند در حالی که حکومت و زمام امور در دست سفالگان قرار دارد.

ص: ۶۱

شما آنچنان به ایشان فخر می‌فروشید که گویا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جدّ و نیای شما بوده است، نه آن‌ها. روز غدیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با حضور فرشتگان و امت مسلمان به پاخاست و به نفع آن‌ها سخن گفت. اما پس از رحلت آن حضرت کار را شورایی کردند طوری که گویا صاحب حق را نمی‌شناسند. چرا! به خدا سوگند شناختند؛ لیکن نقاب بر روی حقیقت کشیدند.

برخی شاعران این قصیده را تخمیس کرده‌اند. (۱) او در مقام توسل به آل‌البیت گوید:

شفیع من احمد پیامبر و مولای من علی و دختر و دو سبط او و فرزندانش: علی، باقرالعلم و صادق امین بیان، موسی و علی و محمدبن علی و علی و عسکری و امام مهدی است. (۲)

بیست و دوم: ابوالفتح کشاجم

اشاره

محمود بن محمد معروف به کشاجم از نابغه‌های امت و از یکه‌تازان میدان ادب و بلاغت که لقب او مشعر و گویای مزایای وجودی اوست: کشاجم مخفف کاتب، شاعر، ادیب، منشی و نگارنده و جواد، متکلم و منطقی و چون به دانش طب هم علاقه مند بود، گاهی او را «طکشاجم» می‌خوانده‌اند.

ابوالفتح معلم اخلاق بود و در این زمینه گفته است: ما با

ص: ۶۲

۱- الغدیر؛ ۳/۴۰۲؛ منن الرحمن، ۱/۱۴۳.

۲- اعیان الشیعه، ۱۸/۲۹۸-۲۲۹.

اهل محبت، وفا و عهد و پیمان داریم. می کوشیم مراتب برادری را نگهداریم اگر کسی گرفتار شد به او یاری می رسانیم. این خلق و خوی ماست که در حفظ مکارم اخلاق اهتمام داریم.

ابوالفتح اهل سیر و سیاحت بود و به کشورهای سفر کرده و آثاری ادبی برجای گذاشته است.

شگفت آن که نیای او، سندی بن شاهک در دشمنی اهل بیت مشهور است. در حقیقت ابوالفتح مصداق آیه شریفه «یخرج الحی من المیت»^(۱) بوده است. او در سال ۳۶۰ هـ وفات یافته است.^(۲)

غدیریّه گشاجم:

فَجَدَهُم خَاتَمَ الْاِنْبِیِّیْنَ

و یَعْرِفُ ذَاكَ جَمِیعَ الْمَلَلِ...

و قَدْ عَلِمُوا اَنَّ یَوْمَ الْغَدِیْرِ

بَغْدِرِهِمْ جَدَّ یَوْمَ الْجَمَلِ...

نیای ایشان خاتم پیامبران است و همه مردم این را می دانند و پدرشان سرور اوصیاست که عطاکننده به بینوایان و هلاک کننده گردنکشان است. ابر آسمان، بارش از او آموخت و کوه، حلم و پایداری از وی یاد گرفت. چه بسا خدا به واسطه او آتش ضلالت و فساد را خاموش کرد و مشعل هدایت و رستگاری را برپا داشت. آنان دانستند که با نیرنگی

ص: ۶۳

۱- انعام، ۹۵.

۲- ثعالبی، ثمار القلوب، ۱۳۶؛ شذرات الذهب، ۳/۳۷.

که در غدیر خم به کار بستند، آتش جنگ جمل را برافروختند. ای گروه ستمگران که تلخی مصیبت را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چشاندید.

این قصیده در نسخه خطی، چهل و هفت بیت است که در چاپ، بیت هایی را انداخته اند. (۱)

او در لابه لای نظم، برخی حدیث ها را تفسیر کرده است از جمله حدیث منسوب به علی (علیه السلام) که فرموده:

(من أحبنا فليستعد للفقير جلباباً...)

برخی پنداشته اند هر که علی را دوست بدارد باید جامه فقر بر تن کند. دروغ گفته اند هر که علی را دوست بدارد جامه های غنا بر تن می کند.

سخن وصی را تحریف کردند و به راهی دیگر رفتند. آن حضرت فرمود: اگر دوست ما هستید و به ما مهر می ورزید، دنیا را رها کنید و وابسته و شیفته آن نباشید.

بیست و سوم: ناشی صغیر

اشاره

ابوالحسن علی بن عبدالله از بزرگان علم کلام، سرآمد در فقه، نابغه در حدیث و پیشرو در ادب بوده و فضیلت هایی را در وجود خویش جمع کرده است. او کتابی درباره امامت (۲) دارد و درباره مدایح اهل بیت اشعار زیادی سروده است، که بعضی از

ص: ۶۴

۱- الغدير، ۴/۴.

۲- طوسی، فهرست، ۹۸؛ ندیم، ۳۰۳؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱/۱۹۳.

آن‌ها بالغ بر سیصد بیت است.

ناشی صغیر در ۲۷۱ هـ ولادت و در ۳۶۰ هـ وفات یافته است.

غدیریّه ها:

عَلَّامه امینی (علیه السلام) در کتاب بزرگ الغدیر، غدیریّه هایی از او با قافیه های (ج، ک و ب) آورده که به برخی شاه بیت ها اشاره می کنیم:

یا آل یاسین من یحبکم

بغیر شک لِنفسه نصحا

انتم رشاد من الضلال کما

کل فساد بحکم صلحا

ای آل یاسین، هر کس شما را دوست بدارد بدون تردید، خیرخواه خویش بوده است. شما مایه رستگاری هستید و هر فساد و تباهی در پرتو وجود شما به صلاح تبدیل می شود.

پدر شما احمد و مصاحب او هست که دانش ها به او عطا شده است؛ یعنی علی بن ابی طالب که در روز غدیر خم به تنهایی به امتیازی نایل آمد.

ذاک علی الذی تفرّده

فی یوم خمّ بفضله اتّصحا

آن گاه که میان مردم ایستاد. بازوی او را گرفت و گفت هر که را من مولای او بوده ام، وصی، به وحی الهی مولای اوست. و در قافیه ک می گوید:

و یوم الغدیر ما یومه

لیترک عذراً الی غادریکا

و روز غدیر: چه روزی که هر گونه عذر را برای

نیرنگ بازان گرفت. قصیده معروف بایه:

بآل محمد عرف الصواب

و فی ایباتهم نزل الكتاب

که سی و دو بیت است و از اوست. در قصیده ای دیگر:

و صارمه کبیعته بخم

مقاصدها من الخلق الرقاب

و شمشیر او مانند بیعت او در غدیر خم برگردن مردم است. او در مدح اهل بیت نکته ای نادر سروده است:

کان رسول الله اوصی بقتلکم

و اجسامکم فی کل ارض توزع

گویا رسول خدا سفارش کرده است که شما را بکشند که در هر سرزمینی اجساد شما، پخش شود!^(۱)

بیست و چهارم: بشنوی کردی

اشاره

حسین بن داود بشنوی کردی از شاعران صریح گوی در ستایش اهل بیت و از طلایه داران پرچم بلاغت و از سرایندگان مبارز امامیه است که مذهب خود را در منظومه های خویش ابراز می دارد:

به پروردگار سوگند به دامن ولایت چنگ زنده ام و به دوازده پیشوا از نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معتقد هستم.

بشنویّه، محلّی است در شرق دجله که قبایل شیعه زیادی در آن مناطق ساکنند. علامه امینی در الغدیر طوائف بزرگی از آنان را نام برده است.

بشنوی در اشاره به مراتب ولای خود به اهل بیت

ص: ۶۶

می گوید:

بهترین اوصیا از بهترین خاندان و نیک ترین طوایف، آن انسانی است که از لغزش مصون است؛ وقتی به صورت آن وصی بنگری در سخن و عمل خدا را پرستیده ای. (۱)

غدیریّه های بشنوی:

او در قصیده های نونیه، طائیه و دالیه اش به غدیرخّم اشارت ها دارد:

لقد شهدوا عيد الغدير و اسمعوا

مقال رسول الله من غير كتمان ...

همانا در عید غدیر حضور داشتند، دیدند و شنیدند که رسول خدا بدون پنهان کاری چه فرمود: آیا من برای شما از همه مردم، سزاوارتر نیستم؟ جواب دادند: آری هستی، ای بهترین انس و جن! آن گاه او بر روی منبری ایستاد و با صدای بلند و رسا، ولایت حیدر را اعلام کرد. بازوی او را گرفت و به همه از دور و نزدیک که می شنیدند، فرمود: علی برادر من است، همانند هارون نسبت به موسی پسر عمران، فرقی میان من و او نیست. پروردگارا، دوست علی (علیه السلام) را دوست بدار و دشمن او را دشمن و بر بدخواهش خشم گیر.

او در غدیریّه بایه اش سروده است:

أترک مشهور الحدیث و صدقه

غداه بخمّ قام احمد خاطباً ...

ص: ۶۷

آیا من حدیث صحیح و راست و مشهور روز غدیر خم را رها کنم؟ احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سخنانی کرد و فرمود آیا من برای شما مولا نیستم؟ علی نیز همانند من است. ولی شما باید ولایت او را پذیرا باشید، امر واجبی را برای شما گفتم.

در غدیریه دلیله اش می سزاید:

یوم الغدیر لذلّی الولایه عید

و لذلّی النواصب فضله مجحود...

روز غدیر برای اهل ولایت و محبت عید است، اما فضیلت آن روز برای ناصبیان مورد انکار است. آن روز در آسمان ها، روز عهد و معهود نامیده شده است... (۱)

بشنوی در سال ۳۸۰ هـ، وفات یافته است. (۲)

بیست و پنجم: صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵)

اشاره

کافی الکفات اسماعیل وزیر، صاحب، پسر عباد، شاعر و ادیب قرن چهارم هجری قمری است. گاهی سخن گفتن درباره برخی شخصیت ها، به دلیل عظمت و گستردگی ابعاد وجودیشان دشوار می نماید. صاحب بن عباد از آن اشخاص است که فضیلت ها و برتری های فراوان داشته که چون هاله ای سیمای او را پوشانده اند. علم و دانش او ستودنی است و ادب و بلاغتش قابل ستایش، کمتر کسی مثل صاحب از سوی ادبا

ص: ۶۸

۱- ابن شهر آشوب، معالم العلماء ...

۲- ابن اثیر، اللباب ۱/۱۳۷.

و شعرای عصر خویش و پس از آن مورد تعریف و تمجید قرار گرفته و بعد از فوت او بسیاری از اهل شعر و ادب برای او مرثیه سرایی کرده اند.

بسیاری در شرح احوال او به طور مستقل کتاب نوشته اند. (۱)

علامه امینی (رضی الله عنه)، به آثار علمی و ادبی و تاریخی او اشارت ها دارد. کتابخانه بزرگ او که توسط محمود سبکتکین سوزانده شد، برای جهان شیعه ضایعه ای سنگین بوده است.

در عصر صاحب، دانشمندان نامدار و شاعران زباندار فراوانی می زیسته اند. علامه امینی (رضی الله عنه)، حدود چهل و دو تن ادیب و شاعر نام برده که صاحب را مدح و فضائل و کراماتش را مطرح کرده اند. اشعار صاحب در مدح اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فزون از حد است. (۲)

غدیریّه های صاحب:

صاحب، قصیده ها و غدیریّه هایی با قافیه «ل، ب» سروده است که برخی به قرار ذیل است:

قالت: فمن ساد فی «یوم الغدیر» أبن

فقلت من کان للاسلام خیر ولی ...

گفت در روز غدیر چه کسی آقا و سرور مردم شد، روشن بیان کن. گفتم آن کسی که برای اسلام بهترین ولی و امام و

ص: ۶۹

۱- ر.ک: احمد بهمنیار، صاحب بن عبّاد، چاپ دانشگاه تهران.

۲- دمیهاالقصر ۱/۳۰۱.

پیشوا بود. گفت چه کسی در حال رکوع انگشترش را زکات داد؟ ...

صاحب بعد از یاد فضائل فراوانی برای علی (علیه السلام) در میدان های جنگ و جهاد و در مزایایی در محراب عبادت و کارزار با نفس، چنین گفت:

قالت: فمن هو هذا الفرد سمه لنا فقلت ذاك امير المؤمنين علي پرسید: کیست آن که این همه فضیلت و منقبت دارد، نام ببر گفتم: او امیرالمؤمنین علی است.

در قافیه با: ای علی، همگن دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، اگر تو نبودی کفوی برای او نبود. ای اصل و ریشه عترت احمد، اگر تو نبودی نسل احمد دوام نمی یافت. تو را ابوتراب لقب دادند، پس از آن که مردم دنیا پرست دین و شریعتشان را با مثنی خاک معامله نمودند؛ ندانستند که وصی همان است که در محراب، زکات پرداخت.

لم يعلموا انّ الوصی هو الذی

حکم الغدیر له علی الاصحاب

ندانستند وصی همان است که در روز غدیر به نفع او بر همه اصحاب و یاران محمد، حاکم و امام قرار داده شد.

أفی یوم خمّ اذ اشاد بذکره

وقد سمع الایضاء جاء و ذاهب...

در روز غدیر خمّ آن گاه که نام او را با صدای بلند خواند، موضوع وصیت را همگان دریافتند.

بیست و ششم: گوهری گرگانی

اشاره

او از افاضل ادبای گرگان، در قرن چهارم هجرت و تربیت

ص: ۷۰

شده صاحب بن عتیه بوده است. عتیه از وی تعریف و تمجید کرده و به عنوان سفیر در نزد امیران و کارگزارانش می فرستاده است. گرگانی در حدود سال ۳۸۰هـ، پیش از وفات صاحب، وفات یافته است.

غدیریّه های گوهری:

از گوهری گرگانی غدیریّه هایی با قافیه «ن، و، راه» یاد شده است.

أما اخذت علیکم اذ نزلت بکم

«غدیرخّم» عقوداً بعد ایمان...

آیا من هنگامی که در غدیرخّم فرود آمدم از شما عهد و پیمان نگرفتم؟ و دست بهترین انسانی که در سرزمین بطحا گام می برداشت، از قوم مضر و عدنان بلندمرتبه را بالا نبردم؟ که این علی مولای هرکس است که من برای او مبعوث شده ام و ظاهر و باطن من در آن خصوص یکی بود و خدا نمی خواست که کوتاهی کنم و از شرح و بیان دریغ بورزم. این پسر عمو، صاحب منبر و برادر و وراث من است، نه دیگر برادران دینی و یاران من. او در مقایسه با من مانند هارون در مقایسه با موسی بن عمران است.

و در غدیریّه ای دیگر سروده است:

و غدیرخّم لیس منکر فضله

إلّا زنیّم، فاجر کفّار...

فضیلت غدیرخّم را جز اشخاص بی اصل و نسب، بدکار و کافر و ناسپاس، انکار نمی کنند. آفتاب در بابل پس از غروب

بر چه کسی برگردانده شد؟ بیان کن. او دارای فضائل و مناقب فراوانی است، کجا اشعار می تواند به ستایش او احاطه یابد؟ (۱)

بیست و هفتم: ابن حجاج بغدادی

اشاره

حسین بن احمد نیلی بغدادی (م: ۳۹۰)، یکی از ارکان و اعیان طائفه و از نابغه های علم و دانش است که شهرت او در فن شعر، هنرهای دیگر او را تحت الشعاع قرار داده است. (۲) او بارها در بغداد پست حسبه (امر به معروف و نهی از منکر) را که مقامی بزرگ بوده و در صدر اسلام پیشوایانی متصدی آن بوده اند را بر عهده داشته است.

ثعالبی می نویسد: دیوان او به کمتر از شصت دینار، یافت نمی شد؛ زیرا اهل ادب به آن و نگهداری اش علاقه مند بوده اند. سید شریف رضی در زمان حیات او آن چه را به نظرش نیکوتر آمده، برگزیده و به ترتیب حروف الفبا سامان داده است.

حسین نیلی در ستایش امامان شیعه و یاد مناقب آنان، شعر فراوان گفته او قصیده فایه را موقعی سرود که سلطان مسعود بن بابویه، برج و باروی مشهد علوی را ساخت و وارد آنجا شد.

ص: ۷۲

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳۲.

۲- ر.ک: یتیمه الدهر، ۳/۲۵؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱/۱۷۰؛ مخطوط، نسماهالسر و جز این ها.

سال ولادت این شاعر اهل بیت معلوم نیست، اما وفاتش در سال ۳۹۱ هـ، رخ داده است و به حسب ظاهر عمری طولانی کرده است.

غدیرتیه ها:

یا صاحب القبه البيضاء فی النجف

من زار قبرك و استشفی لدیک شفی...

ای صاحب گنبد و بارگاه منور در نجف، هر کس قبر تو را زیارت کرد و نزد تو شفا خواست، شفا یافت. سلام بر تو از سوی خدا و سلام بر اهل دانش و شرف؛ ای مولا، من از شهری دور آمده ام، دامن ولای شما را چنگ زده ام و امید شفاعت تو را دارم؛ زیرا تو عروها لوثقایی، هر که به آن چنگ زد بیمی ندارد... . پاک نبودند آنانی که در برابر فضل و شرف تو به ظاهر آفرین گفتند.

و با یعوك «بخم» ثم اكدها

محمد بمقال منه غیر خفی...

در غدیر خم با تو بیعت کردند. پس از آن که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) آشکارا و بدون پنهان کاری سخن گفت آن مردم نافرمانی کردند و سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را که فرمود: «این برادر و جانشین من است، هر که به دامن او چنگ زد هیچ بیم و هراسی نخواهد داشت.» به بوته فراموشی سپردند. (۱)

علامه امینی از این قصیده، بیست و پنج بیت آورده و می نویسد

ص: ۷۳

۱- ر.ک: یتیمه الدهر، ۳/۲۵؛ ابن خلکان، تاریخ، ۱/۱۷۰؛ مخطوط، نسعه السحر و جز این ها.

که اصل آن «بالغ بر شصت و چهار» بیت است. در قافیه «ن» در جواب ابن سکره ناصبی که نسبت های ناروایی به اهل بیت می دهد، سروده است، از جمله:

و قلت افضل من يوم الغدير اذا

صحت روايته يوم الشعانين

و گفتم با فضیلت تر از روز غدیر، تازه اگر گزارش آن درست باشد، روز «شعانین» است.

و نیز در جواب می سراید: با خدایت به دشمنی برخاسته و از نعمتش بی پروا شدی، اما از قدرت الهی نتوانی جست.

بیست و هشتم: ابوالعباس ضبّی (م: ۳۹۸)

اشاره

از ملازمان صاحب بن عباد و جزوکسانی است که پس از او زمام سیاست و رشته ادبیات را در دست گرفته است و ادبا از اطراف و اکناف به دربارش بار سفر بسته و به آرمان هایشان می رسیدند.

شاعران نامداری، مانند مهیار دیلمی او را ستوده اند. (۱) علامه امینی اشعار فراوانی با مضامین بالا و ذوقی از او آورده است:

به فراق و جدایی راضی مباش که آن بسیار تلخ است. خورشید را نمی بینی که به هنگام غروب از ترس جدایی، رخس زرد می شود؟ ضبّی در سال ۳۹۸ هـ، وفات یافته است.

غدیریّه او:

لعلی الطهر الشهير

مجد اناف علی ثبير

ص: ۷۴

صنو النبی محمد

و وصیه یوم الغدیر

و حلیل فاطمه و وا

لد شبر و ابو شیر

برای علی (علیه السلام) آن مرد پاک و مشهور، مجد و شرفی است بلندتر از کوه «ثبیر». او داماد و پسرعموی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و روز غدیرخَمّ به وصایت و جانشینی او منصوب گشت. او شوهر فاطمه و پدر حسن و حسین است. (۱)

بیست و نهم: احمد بن محمد انطاکی

ابوحامد احمد بن محمد انطاکی معروف به ابو رقعق، ساکن مصر بوده ولی در شام بالیده و در ادبیات به شهرت رسیده است. انطاکی در سال ۳۹۹ هـ، در گذشته است. غدیریّه او نوزده بیت است، از آن جمله: (۲)

لا والذی نطق النبی

بفضله یوم الغدیر

ما للإمام ابی علی

فی البریّه من نظیر

به خدا سوگند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فضل و فضیلت او لب گشود، برای امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در میان خلق، ماندی نیست. (۳)

سی: ابوالعلاء سروی

اشاره

محمد بن ابراهیم سروی، شاعر یکتای طبرستان و تنها پرچم و

ص: ۷۵

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۵۰.

۲- ابن خلکان، تاریخ، ۱/۴۲.

۳- یتیمه‌الدهر، ۱/۳۹۶.

نشان درخشان فضیلت در آن سامان و از سرایندگان قرن چهارم است. با ابن العمید نامه نگاری ها داشته و شعرهای نمکین و دارای نکته، سروده است. او در مدح اهل بیت قصائدی ساخته که علامه در الغدیر بزرگ به استناد منابع معتبر آورده است.

لو لم یکن لبنی الزهراء فاطمه

من شاهد غیر هذا لکفی...

اگر فرزندان فاطمه زهرا در دنیا جز این شاهی نداشتند، بس بود. پرچم اولاد زهرا سفید و روشن و آثار حق در آن برای حق شناسان هویدا است؛ ولی پرچم بنی عباس تیره و آثار گمراهی در آن پیدا است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دو سبط او و همسرش دارای مکانتی هستند که قلم ها و کاغذها از شمارش آن ها درمی ماند و علی آن کسی است که چه بسیار غم و اندوه از چهره رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) زدود و سپس فرزندان نورانی او پیشوایانند که تاج افتخار و هدایت و امامت بر سر دارند.

غدیره:

علی امامی بعد الرسول

سیشفع فی عرصه الحق لی ...

علی پیشوای من پس از رسول الله است او در عرصه حق برای من شفاعت خواهد کرد و من برای علی (علیه السلام) فضیلت هایی را ادعا دارم که بر عقل مشکل نیست. نمی گویم او پیامبر مرسل است لیکن می گویم او به نص و بیان صریح، امام و پیشواست و سخن رسول برای او که فرمود:

ص: ۷۶

الا من كنت مولاً له

فمولاه من غير شك علي

بدانید هر که را من برای او مولا بوده ام پس، مولای او بدون تردید علی بن ابی طالب است. (۱)

سی و یکم: ابومحمد عونی

اشاره

ابومحمد طلحه غسانی عونی از شاعران قرن چهارم هجری است. شهرت اشعار او بی نیاز از تعریف است و کاروان های ادبی آن ها نقل محافل بود. تشیع و دوستی اهل بیت در آثار او ماندگار است و درباره آنان، قصیده ها و قطعه های بلند و بالا، گاهی بالغ بر پنجاه بیت دارد.

آغاز آن چنین است.

وسائل عن العلی الشان

هل نصّ فيه الله بالقرآن؟ (۲)

و پرسشگری درباره علی بن ابی طالب آن انسان بلند مرتبت می پرسد که آیا خدا در قرآن در خصوص او بیان صریح دارد؟

غدیریّه او:

امامی له یوم الغدیر اقامه

نبیّ الهدی ما بین من انکر الامر... (۳)

پیشوای من کسی است که پیامبر هدایت در روز غدیرختم میان منکران و مخالفان، او را نشان داد... و ایستاد و سخن

ص: ۷۷

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳۱؛ ۲/۷۳.

۲- همان و روضهالواعظین و دیوان او، گردآوری سماوی، این قصیده به قصیده طلایی مشهور است.

۳- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳۲.

راند و بعد از حمد و ثنای الهی، با صدای بلند و آشکار فرمود: بدانید این مرتضی، همسر فاطمه، علی مورد رضایت، داماد من - و چه داماد گرامی و بزرگواری - و وارث علم من و جانشین من در میان شماست. من از همه دشمنان و بدخواهانش به خدا برائت می جویم. آیا شنیدید، مطیع هستید و سخن مرا دریافتید؟ همگی گفتند، حکومت را از او بر نمی گردانیم...

و در لامیّه ای گوید:

أليس رسول الله يخطبهم

يوم الغدير و جمع الناس محتفل...

آیا رسول خدا در روز غدیر خم در جمع انبوه مردم سخنرانی نکرد؟ فرمود هر که را من مولای او بوده ام، این علی پس از من مولای اوست، او را برادر خود خواند و اگر امور را به دست آن پیشوای هدایتگر ابی الحسن می سپردند، برای مردم بس بود و راه ها ایمن می شد....

سی و دوم: ابن حمّاد عبدی

اشاره

ابوحسین علی بن حمّاد عبدی بصری، پدرش نیز در شمار شعرای اهل بیت است و می نویسد: همانا این عبد، بنده علی بن ابی طالب است چنان که حمّاد بنده ادیب شماست. پیش از من، پدرم برای شما مرثیه سروده و مرا سفارش کرده است که از قافله عقب نمانم و گام در جای پای او بگذارم.

ابن حمّاد از سرشناسان شیعه و از عالمان یگانه و از

ص: ۷۸

حافظان حدیث و از معاصران شیخ صدوق بوده است. او در شعر و ادبیات از پرچم دارانی است که نامش نیز در کتاب‌ها آمده است.

درباره امام علی (علیه السلام) و پیشوایان معصوم شیعه، اشعار زیادی سروده است. علامه امینی دوازده قصیده طولانی از او آورده که ستایش علی (علیه السلام) و مضامین اخبار و احادیث و فضایل اهل بیت را در بردارد.

۱. قصیده لامیه:

... و قام به الاسلام بعد اعوجاجه

و جاء به الدین الحنیف یکملاً ...

در پرتو وجود علی (علیه السلام) کژی که به اسلام راه یافته بود، راست گردید و دین و آیین حنیف به کمال رسید.

برادر مصطفی در روز «غدیر» و داماد و پسر عموی او که هنگام رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به غسل و کفن پیامبر پرداخت و آن که خورشید برای او برگشت و آن که احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بر روی منبر اشاره به او کرد و فرمود: ای اصحاب من، این علی برادر من است، نه دیگری. این جبرئیل به من گفت علی (علیه السلام) پس از من جانشین و پیشواست هر طور خواست عمل می کند و هر که نافرمانی کند، گو این که محمد را نافرمانی کرده و نافرمان او، معصیت خدا کرده است. او جان من است و قرآن به این معنا ناطق است و من شهر علم هستم و علی باب آن. او سرور و سرپرست و صاحب اختیار شماست...

۲. قصیده رائیه:

لعمرك يافتى يوم «الغدیر»

لانت المرء اولی بالامور...

به جانم سوگند در روز غدیر، تو ای جوانمرد! سزاوارترین فرد برای تصدی امور تعیین شدی و تو برادر بهترین انسان ها، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستی و در مباحله جان او محسوب شدی. تو داماد و پسر عموی پاک او و پدر حسن و حسین هستی. به امر پروردگار عقد ازدواج فاطمه زهرا برای تو در آسمان بسته شد.

۳. قصیده نوتیه:

... من بَلَّغَ الدنیا ینصب وصیه

یوم الغدیر لیکمل الایمانا

من ذا له یوم الغدیر فضیله

اذلا تطیق لفضله جحدانا...

علی (علیه السلام) آن که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر با جانشینی او و رساندن آن پیام به جهانیان، ایمان را کامل ساخت. همان که برای او در روز غدیر فضیلتی است که ناهلان و منکران نمی توانند آن را تحمل کنند. در گفتار صریح احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مزایای وجودی او یاد شد که خدای متعال آن را به انسانی دیگر نداده است.

این قصیده بیست و هفت بیت دارد.

۴. قصیده رائیه دیگر:

یا عید یوم الغدیر

عبدالهناء و السرور

فضلك اضحی علی

امیر کل امیر...

روز غدیر چه عید بزرگی است. در این روز شادی و خرمی باز آید و علی (علیه السلام) امیر و سالار همه امیران و سالاران گردید. جبرئیل از سوی خدا پیام آورد و گفت ای احمد در کنار این «غدیر» فرود آی و برسان و گرنه اقدام به انجام مسئولیت نکرده ای ... این قصیده هم بیست و یک بیت است.

۵. راثیه ای دیگر:

ما لعلی سوی اخیه

محمد فی الوری نظیر...

در جهان خلقت برای علی (علیه السلام) جز برادرش محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مانندی نیست. آن گاه که قریش قصد جان محمد را کردند، علی در بستر پیامبر خوابید و جان نثاری کرد ...

و قال فی خَمّ ان علیاً

خلیفه بعده امیر...

و در غدیرخَمّ فرمود که پس از وی علی جانشین و امیر است.

۶. نوبته ای دیگر:

و قال لأحمد بلغ قریشاً

أکن لک عاصماً ان تستکینا

فانزل بالحجیح «غدیرخَمّ»

و جاء به و نادى المسلمینا

خدا به احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود به قریش برسان، اگر بیم داری، من نگاهدارت هستم و اگر خبرها و پیام های مرا نرسانی، مبلغ امین نخواهی بود. پس در غدیرخَمّ حاجیان را پیاده کرد و مسلمانان را مورد خطاب قرار داد و دست علی را بالا گرفت و به حاضران نشان داد. چه دست بزرگی و چه دست

بزرگواری او را بلند نمود و به مردم که همه می شنیدند فرمود: بدانید این برادر، وصی بر حق و جانشین، وفاکننده و پرداخت کننده دیون من است. شاهد باشید هر که را من مولای او بوده ام، علی مولای اوست. خدا دوست دار او را دوست، و بدخواه او را دشمن بدارد.

۷. قصیده ای میمیه:

یوم الغدیر لأشرف الایام

و اجلها قدراً علی الاسلام

قال النبی بدوح خمّ رافعاً

کفّ الوصی یقول للأقوام...

روز غدیر، شریف ترین روزها و با جلال ترین و ارزشمندترین روز در اسلام است. روزی است که خدا امام و پیشوای ما، یعنی جانشین پیامبر، علی (علیه السلام) را تعیین کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در زیر سایه درختان خمّ، دست وصی را گرفت و برای ما بالا برد و نشان داد و فرمود: هر که من مولای او بوده ام، به وحی و فرمان خدا، این علی مولای اوست. در زندگانی، او وزیر من است و پس از رحلت من جانشین من خواهد بود. پروردگارا، دوستدار کسی باش که به ولایت او اعتراف کند و برای دشمنش بدترین مرگ را پیش آور. پس از آن دست ها برای بیعت پیش آمد و با آن کار، دین خدا به کمال و سنت الهی به اتمام رسید.

۸. قصیده عینیه:

الم تسمع قوله صادقاً

غداة الغدیر بماذا صدع

ص: ۸۲

الا ان هذا وليّ لكم

اطيعو فويل لمن لم يطع

و قال له انت مني اخی

کهارون من صنوه فاقتنع...

آیا سخن راست پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در روز غدیر نشنیدی که چه فرمان و امری صادر کرد؟ فرمود: این، ولی و مولای شماست از وی اطاعت کنید وای بر کسی که پیروی از او نکند و فرمود: تو نسبت به من ای برادرم، مانند هارون هستی نسبت به برادرش، قانع شد و فرمود تو باب و در شهر علم و دانش من هستی برای کسی که بخواهد وارد شود و بهره مند گردد و نیز فرمود او [علی] داورترین است و پیام برائت را او قرائت کرد. فریب مخور و در روز مباحله او را نفس و جان رسول خواند و در روز مؤاخات او را برادر خود خواند و مقامش بالا رفت...

شاعر یکایک فضائل علی (علیه السلام) را که در روایت ها آمده به نظم کشیده و ماندگار کرده است.

۹. با قافیه قاف:

یا سائلی عن «حیدر» اعیتنی

انا لست فی هذا الجواب خلیقا

اخذ الا له علی البریه کلها

عهداً له یوم الغدیر وثیقاً ...

ای آن که از من راجع به حیدر سوال می کنی و مرا خستی، من سزاوار جواب به چنین سوالی نیستم. خدا با نام خود «العلی» او را علی نامید و بدان وسیله مقام او بالای بالا رفت و از میان ماسوی او را برگزید و پیشوا و نشان هدایت قرار داد و خدا در روز غدیر خم

پیمان محکمی از مردم گرفت و آن روز که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) میان اصحابش طرح برادری ریخت او را برادر خود قرارداد و فرشتگان آسمان به امر الهی او را حیدر فاروق نامیدند و چون اولین اجابت کننده دعوت توحیدی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، او را صدیق خواند. اگر این القاب را دیگری مدعی باشد، باید شاهد و دلیل بیاورد.

۱۰. با قافیه عین:

ترکوا سبیل الرشید بعد نبیهم

سفهاً و تاهوا فی العمی و تسکعوا

غدروا به یوم الغدیر و لم یفوا

و لعهدہ المسئول منهم ضیعوا...

آن مردم، به پیمان خود در روز غدیر خیانت کردند و شکستند و عهد او را پاس نداشتند و راه رشد را رها کرده و از روی سفاهت و بی خردی خود را در ضلالت به زحمت انداختند. ای تقسیم کننده آتش، صادقانه و همانند یک شیعه مؤمن سوگند می خورم که تو صراط مستقیم بر روی دوزخ هستی و پناه به تو باید جست. ای علی! در روز قیامت، حوض با آب سرد به دست توست، هر که را خواستی سیراب می کنی و هر که را خواستی بر می گردانی، کلیدها به دست توست. این را در آتش افکنی و آن دیگری را در بهشت اسکان می دهی. من در اعماق وجودم عشق و مهر تو را کاشته ام، هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

۱۱. قصیده هائیه:

و ولّاه یوم الغدیر علی الوری

فاصبح مولاها و کان امامها

ص: ۸۴

علی آن عروه الوثقی و ریسمان محکمی است که هر کس بدان آویخت، رست. محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط با او عقد اخوت بست، نه با دیگران و به چه شرف بزرگی دست یافت و روز غدیر خم ولایت و سرپرستی او را بر ماسوی اعلام فرمود. پس پیشوا و امام همگان شد و در راستای همان امامت با پیمان شکنان جنگید و با قاسطان و ستمگران کارزار کرد و با شمشیر عدل، خون مارقان و بی دینان را ریخت.

۱۲. قصیده دالیه:

و لاء المرتضی عددی

لیومی فی الوری و غدی

امیر النحل مولی الخلق

فی خم علی الابد

ولای علی مرتضی در جهان توشه امروز و فردای من است. آن امیر مؤمنان که در غدیر خم برای همیشه منصوب شد که فردایش دست ها برای بیعت دراز گردید. او در فضیلت، مانند مصطفی بود، نه کم و نه زیاد؛ در کتاب جنب الله و عین الله خوانده شد هرگز گیتی، کسی مثل او نژاد. او بود که در جنگ های بدر، احد اندوه از چهره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زدود.

علامه امینی می گوید، از این شاعر غدیر، غدیریّه های دیگری نیز وجود دارد که نیاوردم.

ابن حماد از شاعران قرن چهارم هجری است و ولادت و وفاتش روشن نیست؛ اما آثارش او را جاویدان کرده و اشعارش در همه جا پخش است.

اشاره

آل هندو از خانواده های امامیه اند که پرچم نشر دانش و ادب را به دوش داشتند و صاحبان فضیلت بوده، در نویسندگی و شعر نیز پیشرو بوده اند. ابن شهر آشوب، محمد بن هندو بزرگ این خاندان را از شاعران پارسای اهل بیت (علیهم السلام) برشمرده است و نیز از کسان دیگرشان که در حکمت و فلسفه و طب سررشته داشته اند، یاد شده است. (۱)

غدیریّه او:

تجلّی الهدی یوم «الغدیر» علی الشبه

و بّز ابریزالبیان عن الشبه... (۲)

در روز غدیرختم، هدایت بر همانندی تجلی کرد و طلای ناب بیان، از ناخالصی و شبهه ها عاری گشت. پروردگار عرش، دین مردمان را کامل نمود، آن طور که قرآن نزول یافته آشکار ساخت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن جمع، دست علی (علیه السلام) را که از هر جهت از دیگران برتر است، بالا برد و فرمود: آگاه باشید هر که را من برای او مولی بوده ام، این [علی] برای مولاست، چه منقبت بزرگی.

سی و چهارم: جعفر بن حسین

جعفر بن حسین از شعرای پاسدار مکتب اهل بیت در قرن

ص: ۸۶

۱- طبقات الأطباء، ۱/۳۲۳؛ فوات الوفيات، ۲/۴۵.

۲- ابن شهر آشوب، المناقب، ۱/۵۳، چاپ ایران.

چهارم است. او در جواب یکی از شعرای متملق بنی عباس که در توصیف و ستایش آنان شعر می سرود و شیعه را مورد بی احترامی قرار می داد، چنین سروده است.

به آن شاعر بدکار که از روی نادانی دینش را فروخت و به طمع مال دنیا گمراهان را ثنا گفت، بگو: نفرین بر تو، تو از رازهای امامت چه می دانی؟ امامت با نصّ است.

کمقاله فی یوم «خَمّ»

لحیدر لَمَّا اقامه ...

مانند کلام او (پیامبر) برای حیدر در روز غدیر خم که او را برپا داشت و فرمود: «هر که من مولای او بوده ام، این (علی) مولای اوست و سخن خود را به گوش همگان رسانید. تو از اهل اطلاع بپرس از گفتارت پشیمان خواهی شد.»

سی و پنجم: ابونجیب طاهر جزری

او از شاعران اهل بیت در عصر عضدالدوله بوده (۱) و غدیریّه ذیل به او منسوب است.

عَیْدَ فِی یَوْمِ «الغدیر» المسلم

و انکر العید علیه المجرم...

مسلمان روز غدیر را عید گرفت و شخص مجرم و تبهکار منکر آن شد.

ای منکران جایگاه روز (غدیر) و کلامی که رسول خدا به

ص: ۸۷

آن لب گشود، مرگ بر شما باد. خداوند تعالی در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نازل فرمود و آیه «الیوم اتممت علیکم نعمتی» فرو فرستاد «نصب» و «تعیین» امام، بزرگ ترین نعمت بوده است.

علامه امینی می نویسد: ما برخی غدیریّه ها را از شاعران قرن چهارم آوردیم. درباره آنان تحقیق بیش از این میسر نبود و زیاد دنبال نکردیم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

